واژه‌نامه‌ی فارسی – اسپرانتو

اختصارات و علایم

فعل گذرا یا متعدی	tr
فعل ناگذرا یا لازم	ntr
فعل گذرای دوبرابر یا متعدیِ مضاعف	tr2
فعل ناگذرای دوبرابر یا لازم مضاعف	ntr2
جداکننده‌ی اجزای کلمه	.
ریشه‌ی کلمه در حالت کلی	—
پایانه در حالت کلی	-

آب	akv.o
آب دادن به، آبیاری کردن	akv.um.i, tr
آب و هوا، اقلیم	klimat.o
آب و هوا، هوا	veter.o
آب‌تنی کردن، شنا کردن	naĝ.i, ntr
آب‌شار	akv.o.fal.o, fal.akv.o
آبی (رنگ)	blu.a
آبیاری کردن، آب دادن به	akv.um.i, tr
آتش	fajr.o
آخر هفته (تعطیلات)	semajn.fin.o
آخرین، اخیر	last.a
آدرس، نشانی	adres.o
آدم خوب، نیک‌مرد	bon.ul.o
آدم، انسان، بشر	hom.o
آرام‌بخش (دارو)	trankvil.ig.aĵ.o
آرام، باآرامش، بی‌دغدغه	trankvil.a
آرامش، صلح، آشتی	pac.o
آرایش، نظم	aranĝ.o
آرد	farun.o
آرزو داشتن، میل داشتن	dezir.i, tr
آرمان، ایده‌آل، کمال مطلوب	ideal.o
آری، بله	jes
آزاد گذاشتن (اجازه دادن)، رها کردن	las.i, tr
آزاد، رها	liber.a
آزادی اندیشه، آزادی فکر	pens.liber.ec.o
آزادی فکر، آزادی اندیشه	pens.liber.ec.o
آزادی مطبوعات	pres.liber.ec.o
آزردن، اذیت کردن	ĝen.i, tr
آزمودن	ekzamen.i, prov.i
آسان، سهل	facil.a
آسایش، راحتی	komfort.o
آستر(ی)	sub.ŝtof.o
آسمان	ĉiel.o
آسمانی، سماوی	ĉiel.a
آشپز	kuir.ist.o
آشپزخانه، مطبخ	kuir.ej.o
آشپزی، طباخی	kuir.ad.o
آشتی‌دادن، صلح‌دادن	pac.ig.i, tr
آشتی‌کردن، صلح‌کردن	pac.iĝ.i, ntr
آشتی، صلح، آرامش	pac.o
آشنا بودن با/به، شناختن	kon.i, tr
آغاز کردن، شروع کردن	komenc.i, tr
آغاز، شروع (پیشوند)	ek—-
آغلِ گوسفندان	ŝaf.ej.o
آغوش، بازوان	brak.o.j

آفتاب، نورِ خورشید	sun.lum.o
آفریدن، خلق کردن	kre.i, tr
آفریقای جنوبی	Sud-Afrik.o
آقا	sinjor.o, s-ro
آقا(یان) و خانم(ها)	ge.sinjor.o.j, ges.
آگهی، اعلان	reklam.o
آگوست، اوت (ماه میلادی)	aŭgust.o
آلت موسیقی، ساز	muzik.il.o
آماده کردن، حاضر کردن	prepar.i, tr
آماده‌ی چاپ کردن، ویرایش کردن	redakt.i, tr
آماده، حاضر	pret.a
آمدن	ven.i, ntr
آموختن، یاد گرفتن، فراگرفتن	lerni, tr
آموزگار، معلم	instru.ist.o
آموزه و مکتب (پسوند)	—ism-
آن (اگر پیش از اسمی قرار گیرد)، آن‌شخص	tiu
آن چیز، آن	tio
آن مقدار، آن‌قدر	tiom
آن هم نه، و نه (آن)	nek
آن‌جا که، جایی که، کجا، که آن‌جا	kie
آن‌جا، درآن‌جا	tie
آن‌چیز که، چه چیزی، چه، که آن‌چیز	kio
آن‌زمان، آن‌گاه، در آن‌وقت	tiam
آن‌شخص، آن (اگر پیش از اسمی قرار گیرد)	tiu
آن‌طرفِ، ورایِ، آن‌سویِ	trans
آن‌قدر که، چه‌قدر، که آن‌مقدار	kiom
آن‌قدر، آن مقدار	tiom
آن‌که (اگر همراه با اسم بیاید)	kiu
آن‌گاه، آن‌زمان، در آن‌وقت	tiam
آن‌گونه	tia
آن‌گونه که، چگونه، که (آن‌گونه)	kia
آن‌ها، ایشان (ضمیر سوم شخص جمع)	ili
آن(شخص)که، که (او)، که (آن)	kiu
آن(ضمیر برای حیوانات و اشیاء)	ĝi
آن، آن چیز	tio
آه کشیدن، افسوس خوردن	ve.spir.i, ntr
آه!، اِی! (برای خطاب کردن)	ho!
آهسته (با سرعت کم)	mal.rapid.e
آهسته (با صدای کوتاه)	mal.laŭt.e
آهن	fer.o
آهن‌ربا	magnet.o
آهنگ‌ساز، موسیقی‌دان، نوازنده	muzik.ist.o
آواز خواندن، خواندن	kant.i, ntr/tr
آوازخوان، خواننده	kant.ist.o
آوازه‌خوان، خواننده	kant.ist.o
آوردن	ven.ig.i, al.port.i, tr
آوریل (ماه میلادی)	april.o
آویختن، آویزان کردن	pend.ig.i, tr
آویخته بودن، آویزان بودن	pend.i, ntr
آویزان بودن، آویخته بودن	pend.i, ntr
آویزان کردن، آویختن	pend.ig.i, tr
آیا	ĉu
آینه	spegul.o
آینده	est.ont(.ec).o, ven.ont(.ec).o
ابدی، همیشگی	ĉiam.a
اَبر (آسمان)	nub.o
ابزار (پسوند)	—il-
ابزار بُرش، چاقو	tranĉ.il.o
ابزارآلات	il.ar.o
ابله، احمق	stult.a
اتاق	ĉambro
اتفاق افتادن، برگزارشدن	okaz.i, ntr
اتوبوس	(aŭto.)bus.o
اتومبیل، خودرو، ماشین	aŭtomobil.o, aŭt.o

اثاثه، هر جزء از مبلمان یا اثاث	mebl.o
اثر کردن، تأثیر داشتن	efik.i, ntr
اجازه دادن (به)	permes.i, tr
اجتماع، جامعه	soci.o
اجتماعی، اهلِ معاشرت	societ.em.a
اجزاء	er.o.j
اجلاس، نشست، جلسه، اجلاسیه	kun.sid.o
احاطه کردن، محاصره کردن	ĉirkaŭ.i, tr
احترام گذاشتن به، محترم شمردن	estim.i, tr
احتمال، اِمکان	ebl.ec.o
احتمال، امکان، قابلیت (پسوند)	—ebl-
احتمالاً، در صورت لزوم	eventual.e
احتمالاً، شاید	ebl.e
احتمالاً، ظاهراً	ver.ŝajn.e
احتیاج داشتن، لازم داشتن	bezon.i, tr
احساس کردن، حس کردن	sent.i, tr
احمق، ابله	stult.a
اختصاصی، مالِ خود، شخصی	propr.a
اختیاری	laŭ.vol.a
اخیر، آخرین	last.a
اَدا(ی کلمه)، تلفظ	el.parol.o, elp.
اداره	ofic.ej.o
ادامه دادن	daŭr.ig.i, tr
ادامه داده شدن، ادامه یافتن	daŭr.iĝ.i, ntr2
ادامه داشتن	daŭr.i, ntr
ادامه یافتن، ادامه داده شدن	daŭr.iĝ.i, ntr2
ادبیات، نوشتجات	literatur.o
ادویه	spic.o
ادویه فروش (عطار)	spic.ist.o
ادویه‌دان	spic.uj.o
ادیب، نویسنده‌ی ادبی	literatur.ist.o
اذیت کردن، آزردن	ĝen.i, tr

ارائه کردن، تأمین کردن	proviz.i, tr
ارائه کردن، معرفی کردن	prezent.i, tr
ارائه‌کننده‌ی خدمات اینترنِت (ISP)	inter.ret.serv.o proviz.ant.o
اراده کردن، خواستن	vol.i, tr
ارّادِه، چرخ	rad.o
اراده، خواست	vol.o
اربابِ خانه	mastr.o
ارتباط داشتن با، مربوط بودن به	koncern.i, tr
ارتباط، تماس	kontakt.o
ارتباط، رابطه	rilat.o
ارتش	arme.o
ارزان	mal.kara, mal.mult.e.kost.a
ارزشِ (چیزی را) داشتن، ارزیدن به	valor.i, tr
ارزیدن به، ارزشِ (چیزی را) داشتن،	valor.i, tr
ارزیدن، بها داشتن	kost.i, ntr
ارسال کردن، فرستادن	send.i, tr
ارسال کننده، فرستنده (شخص)	send.int.o
از (برای مقایسه کردن)	ol
از (مبدأ)، ـِ کسره‌ی اضافه	de
از (مقدار)	da
از آغازِ	ek.de
از پهلوی، ازکنارِ	preter
از داخلِ، از، از درونِ	el
از درونِ، از، از داخلِ	el
از دنیا رفتن، فوت کردن	for.pasi, ntr
از روی خیرخواهی، لطفاً	bon.vol.e
از سراسرِ، از میانِ، از بینِ	tra
از صمیم قلب، با تمام وجود	tut.kor.e
از میانِ، از سراسرِ	tra
از نُو، دوباره	de.nov.e
از، از درونِ، از داخلِ	el

ازدست دادن، گُم کردن	perd.i, tr
ازدواج کردن (آقا)	edz.iĝ.i, ntr
ازدواج کردن (خانم)، عروسی کردن	edz.in.iĝ.i, ntr
ازدواج کردن، عروسی کردن	ge.edz.iĝ.i, ntr
ازکنارِ (چیزی یا کسی) گذشتن	preter.pas.i, tr
ازکنارِ، از پهلویِ	preter
اساس، پایه، بنیاد	baz.o
اساسی، بنیادی	baz.a
اسب	ĉeval.o
اسپرانتو، زبانِ اسپرانتو	Esper.ant.o, Esp., E-o
استان	guberni.o
استان‌دار	guberni.estr.o
استخدام کردن	dung.i, tr
استخر شنا	naĝ.ej.o
استخرِ ماهی	fiŝ.uj.o
استخوان	ost.o
استراحت کردن	ripoz.i, ntr
استفاده کردن، به‌کار بردن	uz.i, tr
استمرار (پسوند)	—ad-
اَستن، بودن، هستن	est.i, ntr
اِسکَن کردن، تصویربرداری کردن	skan.i, tr
اسکناس (بانکی)	bank.bilet.o
اِسکَنِر، تصویربردار(دستگاه)	skan.il.o
اسلام	Islam.o
اسلامی	islam.a
اسم (پایانه)	—o
اسم، نام	nom.o
اسیر کردن، شکار کردن، گرفتن	kapt.i, tr
اشتباه کردن، خطا کردن	erar.i, ntr
اشعه، رادیو	radi.o
اِشغال کردن	okup.i, tr

اِشکال، مشکل، مسئله	problem.o
اشیاء قیمتی	valor.aĵ.o.j
اصابت کردن به، برخورد کردن به	traf.i, tr
اصل (قاعده‌ی کلی)	princip.o
اصل، اصیل، غیرترجمه	original.a
اصلاً، به‌هیچ ترتیب	neniel
اصلی	ĉef.a
اصیل، اصل، غیرترجمه	original.a
اضافه کردن، افزودن	al.don.i, tr
اطاعت کردن از، فرمانبری کردن از	obe.i, tr
اطاق، اتاق	ĉambro
اطرافِ، درحدودِ، دُورِ	ĉirkaŭ
اطلاع دادن به، مطلع ساختن	inform.i, tr
اطمینان بخشیدن به	cert.ig.i, tr
اعتراف کردن، اقرار کردن	konfes.i, tr
اعضاء، مجموعه‌ی اعضاء	an.ar.o
اعضای خانواده	famili.an.o.j
اعلام کردن	anonc.i, tr
اعلامیه (برگه)	flug.foli.o
اغفال کردن، فریب دادن	tromp.i, tr
اغلب، غالباً	oft.e
افتادن، سقوط کردن، ریختن	fal.i, ntr
افزودن، اضافه کردن	al.don.i, tr
افسوس خوردن، آه کشیدن	ve.spir.i, ntr
افکندن، پرتاب کردن، انداختن	ĵet.i, tr
اقاقیا	akaci.o
اقامت داشتن، ساکن بودن	loĝ.i, ntr
اقامت‌گاه	rest.ad.ej.o
اقبال، شانس	ŝanc.o
اقتصاد	ekonomi.o
اقدام کردن، عمل کردن	ag.i, ntr
اقدامات	ag.ad.o

اقرار کردن، اعتراف کردن	konfes.i, tr
اُکتُبر، (ماه میلادی)	oktobr.o
اکنون، حال، حالا	nun
اکنون، که	nun kiam
اگر حقیقت‌اش را بگوییم، حقیقتاً	ver.dir.e
اگر، چنان‌چه	se
اگرچه، هرچند	kvankam
اما، ولی، لیکن	sed
امانت دادن، قرض دادن	prunt.e.don.i, tr
امانت گرفتن، قرض گرفتن	prunt.e.pren.i, tr
امانتاً، به‌طور قرضی	prunt.e
امتحان دادن	ekzamen.iĝ.i, ntr
امتحان کردن، امتحان گرفتن از	ekzamen.i, tr
امتحان کردن، سعی کردن، پرو کردن	prov.i, tr
امتحان گرفتن از، امتحان کردن	ekzamen.i, tr
امتیاز، پوئن	poent.o
امر، واقعیت	fakt.o
امروز	hodiaŭ
امسال	ĉi.jar.e
امشب	ĉi.nokt.e
اِمکان، احتمال	ebl.ec.o
امکان، احتمال (پسوند)	—ebl-
امید داشتن به، امیدوار بودن راجع به	esper.i, tr
اُمیدوار (شخص)	esper.ant.o
امیدوار بودن راجع به، امید داشتن به	esper.i, tr
انبوه، توده، پشته	amaso
انبوه، متراکم	dens.a
انتخاب کردن	elekt.i, tr
انتزاع، تجرید، ذات (پسوند)	—ec-
انتظار کشیدن، منتظر (کسی) بودن	atend.i, tr
انتقال دادن/ رساندن (پیام، خبر)	komunik.i, tr
انجام دادن، ساختن، کردن، درست کردن	far.i, tr
انجام شدن، شدن، ساخته شدن	far.iĝ.i, ntr
انجمن، جامعه	societ.o
انجمن، سازمان	asoci.o
انداختن، پرتاب کردن، افکندن	ĵet.i, tr
اندازه گرفتن	mezur.i, tr
اندیشه، ایده، نظر	ide.o
اندیشیدن، فکر کردن	pens.i, ntr
اِنرژی	energi.o
انسان‌دوستی، بشردوستی	hom.am.o
انسان، آدم، بشر	hom.o
انسانیت (ذاتِ انسان‌ها)	hom.ec.o
اِنگار، گویی، گوئیا	kvazaŭ
انگشت	fingr.o
انگور	vin.ber.o
اهدا کردن، تقدیم کردن	dediĉ.i, tr
اَهرم (وسیله‌ی بلند کردن)	lev.il.o
اهلِ معاشرت، اجتماعی	societ.em.a
اهمیت دادن به	grav.ig.i, tr
اهمیت	grav.ec.o
او (مؤنث)	ŝi
او (مذکر)	li
اوت، آگوست (ماه میلادی)	aŭgust.o
اوقاتِ فراغت، وقت آزاد	liber.temp.o
اول، اولین، نخستین	unu.a
اولاً، نخست، درابتدا	unu.e
اولین، اول، نخستین	unu.a
ایالت، دولت	ŝtat.o
ایجاب کردن، طلبیدن، طلب کردن	postul.i, tr
ایده‌آل، کمال مطلوب، آرمان	ideal.o
ایده، نظر، اندیشه	ide.o
ایستادن، ایستاده بودن	star.i, ntr
ایستادن، توقف کردن	halt.i. ntr

ایستاده بودن، ایستادن	star.i, ntr
ایستگاه	staci.o, haltejo
ایشان ، آنها (ضمیر سوم شخص جمع)	ili
ایمان داشتن به، باور داشتن	kred.i, tr
ایمیل، پست الکترونیکی	e.poŝt.o, elektronika poŝt.o
این	ĉi
این (جا) است، اینهاش، بفرمایید	jen
این‌بار، این‌مرتبه	ĉi.foj.e
این‌مرتبه، این‌بار، این‌دفعه	ĉi.foj.e
اینترنِت (شبکه‌ی جهانی)	inter.ret.o
اینترنِت، شبکه، تور، شبکه‌ی اینترنِت	ret.o
اینهاش، این (جا) است، بفرمایید ...	jen
ایران	Iran.o, Pers.i.o, Pers.uj.o
ایرانی، اهل ایران	iran.an.o
ایرانی، مربوط به ایران	iran.a
با، به‌وسیله‌ی، توسطِ	per
با، همراه با، به‌همراهِ	kun
باآرامش، آرام، بی‌دغدغه	trankvil.a
باادب، مؤدب	ĝentil.a
بااعتبار، معتبر	valid.a
بااهمیت، مهم	grav.a
بااین وجود، با این وصف	tamen
بااین‌که، هرچند	kvankam
بابا، پدر	patr.o
باتمام وجود، از صمیم قلب	tut.kor.e
باجُنب و جوش، سَرحال، سرزنده	vigl.a
باچشمِ غیر مسلح	nud.okul.e
باحرارت، گرم	varm.a
باحُسن نیت، خوش‌نیت	bon.intenc.a
باد	vent.o
باد بزن	vent.um.il.o
بادِ شدید، طوفان	vent.eg.o
بادِ ملایم، نسیم	vent.et.o
بادام	migdal.o
بار، مرتبه، دفعه	foj.o
باران باریدن	pluv.i, ntr
باران شدید، سیل	pluv.eg.o
باز، مجدداً	re.e, de.nov.e
بازآمدن، برگشتن	re.ven.i, ntr
بازرسی کردن، کنترل کردن	kontrol.i, tr
بازرگانی کردن، تجارت کردن	komerc.i, ntr
بازو، دست (از انگشتان تا شانه)	brak.o
بازوان، آغوش، بغل	brak.o.j
بازی کردن در فیلم	film.lud.i, ntr
بازی کردن، نواختن (ساز)	lud.i, ntr/tr
بازی‌گوش	lud.em.a
بازکردن، گشودن	mal.ferm.i, tr
بازی	lud.(ad.)o
باسرعت، تُند، سریع	rapid.a
باسلیقه، با مزه	gust.o.hav.a
باشد، بُود	ajn
باشگاه، کلوپ	klub.o
باطنی، درونی، داخلی	intern.a
باعث درد شدن، درد آوردن	dolor.i, tr
باعث شدن، سبب شدن	kaŭz.i, tr
باغ	ĝarden.o
بافایده، سودمند، مفید	util.a
بافتن	teks.i, tr
بافتنی، چیز بافته شده	teks.aĵ.o
باقی ماندن، ماندن، به‌جا ماندن	rest.i, ntr
بال (پرنده یا هواپیما)	flug.il.o
بالا(ی)، در (طبقه‌ی) بالا	supr.e
بالاخره	fin.fin.e
بالایی، فوقانی	supr.a

بامزه، با سلیقه	gust.o.hav.a
بانک	bank.o
بانکِ اطلاعاتی، پایگاهِ داده‌ها (دِیْتا بِیْس)	daten.baz.o
بانکِ داده‌ها (دِیْتا بانک)	daten.bank.o
باهردودست، دودستی	ambaŭ.man.e
باهوش، تیزهوش	inteligent.a
باور داشتن، ایمان داشتن به	kred.i, tr
بایْت (هشت بیْت)	bajt.o, bit.ok.o
باید	dev.as, tr
بایستن، مجبور بودن	dev.i, tr
بایستید، برپا	ek.star.u
البته	ja, kompren.ebl.e, cert.e
بچه، کودک	infan.o
بحث کردن	diskut.i, ntr
بحر، دریا	mar.o
بخاری	(hejt.)forn.o, varm.ig.il.o
بخش، رشته، تخصص	fak.o
بخش، قسمت	part.o
بخشی از برنامه، جزئی از برنامه	program.er.o
بخشیدن، عفو کردن	pardon.i, tr
بد	mal.bon.a
بدبین، سیاه‌بین	nigr.a.vid.ul.o
بدن، جسم، کالبد	korp.o
بدونِ معنیِ ثابت (پسوند)	—um-
بدونِ معنی، بی‌معنی	sen.signif.a
بدونِ، بی، فاقدِ	sen
بذر، تخم، دانه	sem.o
بر رویِ، رویِ، در رویِ	sur
برابر، مساوی	egal.a
برادر	frat.o
برادرزاده یا خواهرزاده (مذکر)	nev.o

برافراشتن، بلند کردن	lev.i, tr
برایِ، لهِ، درجهتِ، به‌نفعِ	por
برای این‌که، زیرا، چون‌که	por ke, ĉar, tial ke
برپا، بایستید	ek.star.u
برپاساختن	star.ig.i, tr
برجسته، ممتاز	el.star.a
برحق، محق، موجه	prav.a
برخاستن، بلند شدن	ek.star.i, star.iĝ.i, ntr
برخورد کردن با، مواجه شدن با	renkont.i, tr
برخورد کردن به، اصابت کردن به	traf.i, tr
برخوردار شدن از، لذت بردن از	ĝu.i, tr
برخی، چند، چندتا	kelk.a(.j)
برخی، بعضی	iuj
برداشتن، (بر)گرفتن	pren.i, tr
بُردن، به‌دست آوردن، بَرنده شدن	gajn.i, tr
بُردن، حمل کردن	kun.port.i, (for.)port.i, tr
بررسی کردن	trakt.i, tr
بُرس، ماهوت پاک کن	bros.o
برضدِ، روبرویِ، درمقابلِ، علیهِ	kontraŭ
برف باریدن	neĝ.i, ntr
برف‌پاک‌کن اتومبیل، شیشه‌پاک‌کن	vitr.o.viŝ.il.o
برفرازِ، فوقِ	super
برق (آسمان)	fulm.o
برق‌زدن، درخشیدن (چشم‌ها، طلا، ...)	bril.i, ntr
برق، الکتریسیته	elektr.o
برگ (کاغذ، درخت...)	foli.o
برگرفتن، برداشتن	pren.i, tr
برگزارشدن، اتفاق افتادن	okaz.i, ntr
برگشتن، بازآمدن	re.ven.i, ntr
بُرنا، جوان	jun.a
برنامه	program.o

برنج (گیاه یا دانه‌ی آن)، پلو، چلو	riz.o
بَرنده شدن، بُردن، به‌دست آوردن	gajn.i, tr
بُرنده، تیز، تُند(لبه یا مزه‌ی)	akr.a
بَرِه	ŝaf.id.o
بَرَهوت (زمین)، خُشکِ خشک	sek.eg.a
بُریدن	tranĉ.i, tr
بزرگ، عظیم	grand.a
بزرگی، شدت (پسوند)	—eg-
بزرگی، عظمت	grand.ec.o
بزرگی، عظمت، شدت	eg.ec.o
بَس، کافی، مکفی	sufiĉ.a
بستگی داشتن، وابسته بودن	de.pend.i, ntr
بستن	ferm.i, tr
بستن (بوسیله‌ی چیزی)	lig.i, tr
بستنی	glaci.aĵ.o
بسته‌بندی کردن	pak.i, tr
بسکتبال	korb.o.pilk.o
بسیار	tre
بسیار خوب، عالی	bon.eg.a
بسیار زیاد	(tre) mult.a(.j), mult.e
بشر دوستی، انسان‌دوستی	hom.am.o
بشر، انسان، آدم	hom.o
بشریت (مجموعه‌ی انسان‌ها)	hom.ar.o
بشقاب	teler.o
بطری	botel.o
بعد از ظهر	post.tag.mez.o, p.t.m.
بعد از، پس از، بعدِ	post
بعداً	post.e
بعضی، برخی	iuj
بغل کردن، درآغوش کشیدن	brak.um.i, tr
بقایا	rest.aĵ.o.j
بقیه، الباقی	ceter.o, aliaj
بلد بودن، یاد داشتن	pov.o.sci.i, sci.pov.i, tr
بلند (برای صدا)	laŭt.a
بلند کردن، برافراشتن	lev.i, tr
بلند، رفیع، قدبلند، مرتفع	alt.a
بله البته، بله حتماً	ja
بله، آری	jes
بلیط	bilet.o
بلیط فروشی، گیشه‌ی بلیط فروشی	bilet.ej.o
بنا، ساختمان	konstru.aĵ.o
بنا، کارگر ساختمانی	konstru.ist.o
بنابر قانون، طبقِ قانون، قانوناً	laŭ.leĝ.e
بنابر، به‌نظر، طبقِ، به‌موازاتِ	laŭ
بناکردن، ساختن	konstru.i, tr
بند آمدن، متوقف شدن	ĉes.i, ntr
بندر(گاه)	haven.o
بنیاد، اساس، پایه	baz.o
بنیادی، اساسی، پایه	baz.a
به‌آن علت	tial
به‌آن علت که، چرا، که به‌آن علت	kial
به‌احتمال ضعیف	ebl.et.e
به‌احتمال قوی	ebl.eg.e
به‌انحاء گوناگون، به‌طُرُقِ مختلف	divers.manier.e
به‌ترتیبی، یک‌جوری، طوری	iel
به‌جا ماندن، ماندن، باقی ماندن	rest.i, ntr
به‌جای، در عوضِ	anstataŭ
به‌جز، غیر از، به‌علاوه، جدا از	krom
به‌خاطر داشتن، به یاد داشتن	memor.i, tr
به‌خصوص	precip.e
به‌خواستِ خود	propr.a.vol.e
به‌خواستِ خود، داوطلبانه	mem.vol.e, volonte
به‌درد آوردن، درد آوردن	dolor.i, tr

به‌دست آوردن، بُردن، بَرنده شدن	gajn.i, tr
به‌دنیا آمدن، متولد شدن	nask.iĝ.i, ntr
به‌دنیاآوردن، زاییدن	nask.i, tr
به‌دنیا آوراندن، زایاندن	nask.ig.i tr2
به‌زودی	baldaŭ
به‌زودی، زود	fru.e
به‌سختی، به‌ندرت	apenaŭ
به‌سوی، به، به‌طرف	al
به‌طُرُقِ مختلف	divers.manier.e
به‌طور قرضی، امانتاً	prunt.e
به‌طور مستمر، مستمراً	ad.e
به‌عبارت دیگر، به‌کلام دیگر	ali.vort.e
به‌علاوه‌ی (جمع)	plus
به‌علاوه، به‌جز، غیر از، جدا از	krom
به‌عنوان مثال، مثلاً	ekzempl.e, ekz., ekz-e
به‌کار بردن، استفاده کردن	uz.i, tr
به‌کلامِ دیگر، به‌عبارتِ دیگر	ali.vort.e
به‌مقدارِ	po
به‌موازاتِ، بنابر، به‌نظر، طبقِ	laŭ
به‌موقع خودش، درزمانِ خودش	si.a.temp.e
به‌موقع، سروقت، درزمانِ صحیح	ĝust.a.temp.e
به‌ندرت، به‌سختی	apenaŭ
به‌نظر رسیدن	ŝajn.i, ntr
به‌نظر، بنابر، طبقِ، به‌موازاتِ	laŭ
به‌نظررسیدن، نمود داشتن	aspekt.i, ntr
به‌نفعِ، برایِ، لهِ، درجهتِ	por
به‌هر وسیله	ĉia.rimed.e
به‌هرحال، درهرصورت	ĉiu.kaz.e
به‌هرمناسبت	ĉiu.okaz.e
به‌همراهِ، با، همراه با	kun
به‌هیچ ترتیب، اصلاً، هیچ‌طور	neniel
به‌وسیله‌ی، با، توسطِ	per
به‌یاد داشتن، به‌خاطر داشتن	memor.i, tr
به، به‌سوی، به‌طرف	al
بها داشتن، ارزیدن	kost.i, ntr
بها، قیمت	prez.o
بهار	printemp.o
بهتر، خوب‌تر، احسن	pli bona
بهترین، خوب‌ترین	plej bona
بهره‌بردن از، بهره‌مند شدن از	util.ig.i, tr
بهره‌مند شدن از، بهره‌بردن از	util.ig.i, tr
بهنجار، نُرمال، عادی	normal.a
بو	odor.o
بُود، باشد	ajn
بودادن، بوداشتن	odor.i, ntr
بودن، اَستن، هستن	est.i, ntr
بوستان، پارک	park.o
بوسیدن	kis.i, tr
بوسیدنی	kis.ind.a
بوکردن، استشمام کردن	flar.i, tr
بی‌طرف	neŭtral.a
بی‌آب، خشک	sek.a
بی‌اراده	sen.vol.a
بی‌ارزش	sen.valor.a
بی‌دغدغه، آرام، باآرامش	trankvil.a
بی‌فایده	sen.util.a
بی‌کس، تنها	sol.a
بی‌کسی، تنهایی	sol.ec.o
بی‌معنی، بدونِ معنی	sen.signif.a
بی‌هدف	sen.cel.a
بی، بدونِ، فاقدِ	sen
بیت (هریک از ارقامِ مبنای دو: صفر و یک)	bit.o
بیدار کردن	vek.i, tr
بِیرق، پرچم	flag.o

بیرونِ، خارجِ	ekster
بیش از حد، بیش از اندازه	tro
بیشتر، دیگر	plu
بیگانه، خارجی	fremd.a
بیل	fos.il.o
بینِ، مابینِ، درمیانِ	inter
بینی، دماغ	naz.o
بیابان، صحرا	dezert.o
بیمارستان	mal.san.ul.ej.o, hospitalo
پا	pied.o
پادشاه، شاه	reĝ.o
پارچ آب	akv.o.kruĉ.o
پارچه	ŝtof.o
پارچه، تکه پارچه	tuk.o
پارسال	last.jar.e
پارک، بوستان	park.o
پاره کردن، دریدن	ŝir.i, tr
پاسخ دادن، جواب دادن	respond.i, tr
پاک کردن (به‌وسیله‌ی پارچه، ...)	viŝ.i, tr
پاک، تمیز، مطهر	pur.a
پاکت، پوشش	kovert.o
پایان دادن به، تمام کردن	fin.i, tr
پایانه‌ی مفعول بی‌واسطه (= را)، مقصد حرکت، و ابعاد گوناگون	—n
پایتخت	ĉef.urb.o
پایگاهِ داده‌ها (دیْتا بِیس)، بانکِ اطلاعاتی	daten.baz.o
پایه، اساس، بنیاد	baz.o
پاییز، خَزان	aŭtun.o
پایینِ، زیرِ، تحتِ	sub
پختن، طباخی کردن، آشپزی کردن	kuir.i, tr
پخش کردن (برنامه)	el.send.i, tr

پدر بزرگ	av.o
پدر، بابا	patr.o
پدرومادر(ها)، والدین	ge.patr.o.j
پدیدار گشتن، ظاهر شدن، درآمدن	aper.i, ntr
پذیرفتن، قبول کردن	akcept.i, tr
پُر معنی	signif.o.plen.a
پُر واژه، غنی از نظر تعدادِ کلمات	vort.riĉ.a
پَر(پرندگان)، قلم	plum.o
پُر، کامل، جامع	plen.a
پرتاب کردن، انداختن، افکندن	ĵet.i, tr
پرچم، بِیرق	flag.o
پرداختن (مبلغ)	pag.i, tr
پرده	kurten.o
پرِزیدِنت، رئیس جمهور	prezident.o
پرِزیدِنت، رئیس جمهور، رئیس (جلسه، همایش، ...)	prezid.ant.o
پرسیدن از، سؤال کردن از	demand.i, tr
پُرگوشت	viand.o.plen.a
پرنده	bird.o
پرنده‌ی آتشین، قُقنوس	fajr.o.bird.o, fenikso
پرو کردن، سعی کردن، امتحان کردن	prov.i, tr
پرواز کردن، پریدن	flug.i, ntr
پروژه، طرح	projekt.o
پرونده (فایل)	dosier.o
پرونده‌دان (فولدِر)	dosier.uj.o
پرونده‌ی مجتمع (بَچ فایل)	ar.op.a dosier.o, baĉ.o
پریدن، پرواز کردن	flug.i, ntr
پرینت کردن، چاپ کردن	print.i, tr
پرینتِر، چاپ‌گر	print.il.o
پریروز	antaŭ.lasta tago
پریشب	antaŭ.lasta nokto
پزشک، طبیب، دکتر	kurac.ist.o

پس از، بعد از، بعدِ	post
پس‌فردا	post.morgaŭ
پس، بنابراین	do
پُست	poŝt.o
پُست الکترونیکی (ایمِیل)	e.poŝt.o, elektronika poŝt.o
پُست‌چی	poŝt.ist.o
پسر (فرزند)	fil.o
پسرِ خاله، عمه، دایی یا عمو	kuz.o
پسر(بچه)	knab.o
پشتِ	mal.antaŭ
پشت‌بام	tegment.o
پُشت، کمر	dors.o
پُشته، توده	amas.o
پشم	lan.o
پُل	pont.o
پلاستیک (ماده)	plast.o
پلان، طرح، نقشه	plan.o
پلکان	ŝtup.ar.o
پله	ŝtup.o
پلو، برنج (گیاه یا دانه‌ی آن)، چلو	riz.o
پلیس (شخص)	polic.an.o
پلیس (نیروی)	polic.o
پنجره	fenestr.o
پنجشنبه	ĵaŭd.o
پنج، عدد 5	kvin
پند دادن به، مشورت دادن به	konsil.i, tr
پنهان کردن، مخفی کردن	kaŝ.i, tr
پنهان‌کار	kaŝ.em.a
پنیر	fromaĝ.o
پهلویِ	apud, ĉe
پَهن، عریض	larĝ.a
پوئن، امتیاز	poent.o

پوست (بدن)	haŭt.o
پوست‌کُلُفت	dik.haŭt.a
پوشاندن	kovr.i, tr
پوشش، پاکت	kovert.o
پوشش، جلد	kovr.il..o
پوشیدن (لباس)	sur.met.i, vest.i, tr
پوشیدنی، لباس	vest.aĵ.o, sur.met.aĵ.o
پول	mon.o
پولاد، فولاد	ŝtal.o
پِی در پِی، مسلسل	si.n.sekv.a
پی‌رو	sakv.ant.o
پی‌رو، حرفه‌ای (پسوند)	—ist-
پی‌روان	sakv.ant.ar.o
پی‌روی کردن، دنبال کردن	sekv.i, tr
پیچاندن (به‌دورِ چیزی/ چیزی به‌دورِ خودش)، لوله کردن	volv.i, tr
پیچاندن، چرخاندن	turn.i, tr
پیدا کردن، یافتن	trov.i, tr
پیراهن	ĉemiz.o
پیراهن (زنانه)	rob.o
پیروز شدن بر، فاتح شدن بر آمدن بر	venk.i, tr
پیش از این، قبلاً، در جلو	antaŭ.e
پیش از ظهر، قبل از ظهر	antaŭ.tag.mez.o
پیش‌بینی کردن	antaŭ.vid.i, tr
پیش‌گفتار	antaŭ.parol.o
پیش‌گویی کردن	antaŭ.dir.i, tr
پیشِ، نزدیکِ، نزدِ	ĉe
پیشرفت کردن	progres.i, ntr
پیشنهاد کردن	propon.i, tr
پیوستن، ملحق شدن	al.iĝ.i, ntr
پی‌روی نهضت صلح‌طلبی	pac.ist.o
پیاده	pied.e

پیام‌بر	profet.o
پیام، پیغام	mesaĝ.o
پیچ (و مهره)	ŝraŭb.o
پیر	mal.jun.a
پیش‌نهاد کردن	propon.i, tr
پیغام، پیام	mesaĝ.o
تئاتر عروسکی، نمایش عروسکی	pup.teatr.o
تئاتر، هنرِ تئاتر، تماشاخانه	teatr.o
تأثیر داشتن، اثر کردن	efik.i, ntr
تأسف خوردن برای	bedaŭr.i, tr
تأسیس کردن	fond.i, tr
تألیف کردن	verk.i, tr
تأمین کردن، ارائه کردن	proviz.i, tr
تِئورِسین، نظریه‌پرداز	teori.ist.o
تئوری، نظریه	teori.o
تا	ĝis
تا (مغزِ) استخوان	ĝis.ost.e
تا دیدارِ بعدی	ĝis la re.vid.o
تابستان	somer.o
تاریخ، داستان، قصه	histori.o
تاریک	mal.lum.a
تازه به دوران رسیده، نوکیسه	nov.riĉ.ul.o
تازه‌عروس، عروس، نوعروس	nov.edz.in.o
تازه، جدید، نُو	nov.a
تازه، سرحال	freŝ.a
تاک، مُو	vin.ber.uj.o, vin.ber.arbed.o
تاکستان، مُوستان	vin.ber.ej.o
تالار، سالُن	salon.o
تبریک گفتن به	gratul.i, tr
تبسم کردن، لبخند زدن	rid.et.i, ntr
تثبیت کردن، بستن	fiks.i, tr
تجارت کردن، بازرگانی کردن	komerc.i, ntr
تجربه کردن	spert.i, tr
تجرید، انتزاع، ذات (پسوند)	—ec-
تجسم کردن، تصور کردن	imag.i, tr
تحتِ، زیرِ، پایینِ	sub
تحصیل کردن	stud.i, tr
تحقیق کردن، معاینه کردن	esplor.i, tr
تحمل کردن	toler.i, tr
تحمل، تساهل (متضاد تعصب)	toler.em.o
تخت‌خواب	lit.o
تخته‌سیاه، لوح، لوحه	tabul.o
تخصص، رشته، بخش	fak.o
تخم (مرغ، ...)	ov.o
تخم، بذر، دانه	sem.o
تر (برای صفت یا قید تفصیلی)	pli
تِرا هِرتْز(THz)، یک تریلیون هِرتز	tera.herc.o
تِرا، یک تریلیون (10 به‌توانِ 12)	tera—-
ترازو	pes.il.o
ترانسپورت، حمل و نقل	trans.port.o
ترتیب کلمات (در جمله)	vort.ord.o
ترتیب، نظم	ord.o
ترجمه شده، ترجمه	traduk.it.a
ترجمه کردن	traduk.i, tr
ترجمه، ترجمه شده	traduk.it.a
ترجیح دادن	prefer.i, tr
ترحم کردن به، رحم کردن به	kompat.i, tr
تردید داشتن، شک داشتن	dub.i, ntr
ترسو	tim.em.a
ترسیدن از	tim.i, tr
تَرَق تَرَق کردن، دکمه‌ی ماوْس را فشردن (کلیک کردن)	klak.i, ntr
تِرور، وحشت	terur.o
ترین (برای صفت یا قید عالی)	plej

تساهل، تحمل (متضاد تعصب)	toler.em.o
تشبیه کردن، شبیه کردن	simil.ig.i, tr
تشکر کردن از	dank.i, tr
تشکیل شدن	konsist.i, ntr
تشنه بودن	soif.i, ntr
تصمیم گرفتن راجع به	decid.i, tr
تصور کردن، تجسم کردن	imag.i, tr
تصوف، صوفی‌گری	sufi.ism.o
تصویر، نقش	bild.o
تصویربردار (دستگاه: اِسکَنِر)	skan.il.o
تصویربرداری کردن (اِسکَن کردن)	skan.i, tr
تظاهر کردن به	ŝajn.ig.i, tr
تعجب کردن، متعجب شدن	mir.i, ntr
تعجب‌آور، شگفتی‌آور	mir.ig.a
تعداد، شمار	nombr.o
تعریف کردن، حکایت کردن	rakont.i, tr
تعطیلی	feri.o
تعلق داشتن، متعلق بودن	aparten.i, ntr
تعلیم دادن، درس دادن به	instru.i, tr
تعلیم و تربیت کردن	eduk.i, tr
تعمیرکننده‌ی ساعت، ساعت‌ساز	horloĝ.ist.o
تعمیر کردن	ripar.i
تعمیر کننده	ripar.ist.o
تغییر دادن، عوض کردن	ŝanĝ.i, tr
تفاوت داشتن، فرق داشتن	diferenc.i, ntr
تقاضا کردن، خواهش کردن از	pet.i, tr
تقدیم کردن، اهدا کردن	dediĉ.i, tr
تقدیم کردن، معرفی کردن	prezent.i, tr
تقدیم کردن، هدیه کردن	donac.i, tr
تقریباً	preskaŭ
تقریباً، حدوداً	proksim.um.e
تقسیم (پسوند)	—on-
تقسیم کردن	divid.i, tr
تقلید کردن	imit.i, tr
تقویت کردن	fort.ig.i, tr
تقویم	kalendar.o
تک‌خوان (هنرمند)، تک‌نواز، سولیست	sol.ist.o
تک‌نواز، سولیست، تک‌خوان (هنرمند)	sol.ist.o
تکامل پیداکردن، توسعه یافتن	evolu.i, ntr
تکان دادن، حرکت دادن	mov.i, tr
تکرار کردن	ripet.i, tr
تکلیف، وظیفه	task.o
تکه پارچه، پارچه	tuk.o
تکه نان	pan.pec.o
تکه، قطعه، خُرده	pec.o
تلاش کردن، کوشش کردن	klopod.i, ntr
تلفظ، اَدا(ی کلمه)	el.parol.o, elp.
تلفن (دستگاه)	telefon.o
تَله، دام	kapt.il.o
تلویزیون (دستگاه)	tele.vid.il.o
تِم، موضوع	tem.o
تماس پیدا کردن، لمس کردن	tuŝ.i, tr
تماس، ارتباط	kontakt.o
تماشاخانه، تئاتر، هنرِ تئاتر	teatr.o
تمام کردن، پایان دادن به	fin.i, tr
تمامِ، همه‌ی، کُلِ	tut.a
تمایل داشتن به، گرایش داشتن به	em.i, tr
تمایل، گرایش	em.o
تمبر(پستی)	poŝt.mark.o
تمرین دادن به	ekzerc.i, tr
تمرین کردن	ekzerc.iĝ.i, ntr
تمسخر کردن، مسخره کردن	mok.i, tr
تمیز، پاک، مطهر	pur.a
تناول کردن، خوردن	manĝ.i, tr

تنبل	mal.labor.em.a
تنبیه کردن، جریمه کردن	pun.i, tr
تُند (لبه یا مزه‌ی)، تیز، بُرنده	akr.a
تُند، سریع، باسرعت	rapid.a
تنفس کردن، نفس کشیدن	spir.i
تنها، بی‌کس	sol.a
تنها، فقط	nur
تنهایی، بی‌کسی	sol.ec.o
تو، شما (ضمیر دوم شخص مفرد و جمع)	vi
توانا، قادر	kapabl.a
توانستن، قادر بودن	pov.i, tr
توپ	pilk.o
توپ‌بازی	pilk.lud.ad.o
توجه کردن به	atenti, tr
توجه کردن، ملاحظه کردن	rimark.i, tr
توجه، یادداشت، نُمره(ی امتحان)	not.o
توحید، یگانگی، وحدانیت، وحدت	unu.ec.o
توده، پُشته، انبوه	amas.o
تور، شبکه، شبکه‌ی اینترِنت، اینترِنِت	ret.o
توریست، گردش‌گر، جهان‌گرد	turist.o
توریسم، گردش‌گری، جهان‌گردی	turism.o
توزین کردن، وزن کردن	pes.i, tr
توسطِ، به‌وسیله‌ی، با	per
توسعه یافتن، تکامل پیداکردن	evolu.i, ntr
توسعه یافتن، همه‌گیر شدن	dis.volv.iĝ.i, ntr
توسعه یافته	evolu.int.a
توصیف کردن، وصف کردن	pri.skrib.i, tr
توصیه کردن، سفارش کردن	rekomend.i, tr
توضیح دادن، روشن کردن	klar.ig.i, tr
توفان	ŝtorm.o
توقف کردن، ایستادن	halt.i. ntr
تولید کردن	produkt.i, tr

توی، درونِ، داخلِ	en, ene de
تیره، سیاه، مِشکی	nigr.a
تیز، بُرنده، تُند (لبه یا مزه‌ی)	akr.a
ثابت	konstant.a
ثانیه	sekund.o
ثروت‌مند، متمول، غنی، سرشار	riĉ.a
ثمربخش، مثمر	frukt.o.don.a
ثمره، میوه	frukt.o
جا، محل، مکان	lok.o
جاری بودن، جریان داشتن	flu.i, ntr
جامع، کامل، پُر	plen.a
جامعه‌شناس	soci.olog.o
جامعه‌شناسی	soci.ologi.o
جامعه، اجتماع	soci.o
جامعه، انجمن	societ.o, asocio
جانور	best.o
جای‌گزین کردن، جانشین کردن	anstataŭ.ig.i, tr
جایزه	premi.o
جایی که، کجا، آنجا که، که آن‌جا	kie
جایی، در محلی، در مکانی	ie
جبهه، طرف، سو	flank.o
جدا از، غیر از، به‌جز، به‌علاوه	krom
جدا، جداگانه	apart.a
جدّی	serioz.a
جدید، مُدِرن	modern.a
جدید، نُو، تازه	nov.a
جراید، مطبوعات	gazet.ar.o
جریان داشتن، جاری بودن	flu.i, ntr
جریمه کردن، تنبیه کردن	pun.i, tr
جزء (پسوند)	—er-
جزئی از برنامه، بخشی از برنامه	program.er.o
جزئیات	detal.o.j

جزیره	insul.o
جستجو کردن، گَشتن (به‌دنبال چیزی)	serĉ.i, tr
جسم، بدن، کالبد	korp.o
جشن عروسی	ge.edz.iĝ.fest.o
جشن گرفتن	fest.i, tr
جعبه	skatol.o
جعبه‌ابزار	il.uj.o
جعبه‌ی چای، چای‌دان	te.uj.o
جعبه، قوطی	skatol.o
جفت، زوج	par.o
جلب (توجه کسی را) کردن	interes.i, tr
جلد، پوشش	kovr.il..o
جلد، نسخه (کتاب، نشریه)	ekzempler.o
جلسه، نشست، اجلاس، اجلاسیه	kun.sid.o
جلوس کردن، نشستن	ek.sid.i, ntr
جمع (پایانه)	—j
جمع کردن (قوا)، کوک کردن (ساعت)	streĉ.i, tr
جمع‌آوری کردن، گردآوردن	kolekt.i, tr
جمع، مجمع، حلقه (دوستان، ...)	rond.o
جمعه	vendred.o
جمعیت (ساکنین)	loĝ.ant.ar.o
جنسِ مذکر، مذکر	vir.seks.a
جنس، جنسیت	seks.o
جنس، ماده	material.o
جنگل	arb.ar.o
جنگل‌کاری کردن	arb.ar.um.i, tr
جنگیدن	milit.i, ntr
جنوب	sud.o
جنوب غربی	sud.okcident.a
جهان‌بینی	mond.rigard.o
جهان‌گرد، گردش‌گر، توریست	turist.o
جهان‌گردی، گردش‌گری، توریسم	turism.o

جهان، دنیا، گیتی	mond.o
جهانی	universal.a
جهیدن	salt.i, ntr
جواب دادن، پاسخ دادن	respond.i, tr
جواب‌گویی، مسئولیت	respond.ec.o
جوان، بُرنا	jun.a
جوانان	jun.ul.ar.o
جورابِ ساق بلند	ŝtrump.o
جورابِ ساق کوتاه	ŝtrump.et.o
جوشان، در حال جوشیدن	bol.ant.a
جوشیدن	bol.i, ntr
جولای، ژوئیه (ماه میلادی)	juli.o
جون، ژوئن (ماه میلادی)	juni.o
جیب	poŝ.o
چاپ کردن، (پرینت کردن)	print.i, tr
چاپ کردن، طبع کردن	pres.i, tr
چاپ‌گر، (پرینتِر)	print.il.o
چارچوب، کادر، قاب	kadr.o
چاق‌کننده	dik.ig.a
چاق، ضخیم، قطور	dik.a
چاقو، ابزار بُرش	tranĉ.il.o
چای	te.o
چای‌دان، جعبه‌ی چای	te.uj.o
چپ	mal.dekstr.a
چرا، که به‌آن علت، به‌آن علت که	kial
چراغ، لامپ	lamp.o
چربی، روغن	gras.o
چرخ، ارّادِه	rad.o
چرخاندن، غلتاندن	rul.i, tr
چرخاندن، گرداندن (حول محور شیء)، پیچاندن	turn.i, tr
چرم	lad.o

چشم (عضو بدن)	okul.o
چشم‌بادامی	migdal.okul.a
چشم‌چرانی کردن	okul.um.i, ntr
چشم‌گیر	okul.frap.a
چشمه	font.o
چشیدن، مزه کردن	gust.um.i, tr
چگونه، که آن‌گونه، آن‌گونه که	kia
چلو، پلو، برنج (گیاه یا دانه‌ی آن)	riz.o
چنان‌چه، اگر	se
چند، چندتا، برخی	kelk.a(.j)
چندتا، برخی، چند	kelk.a(.j)
چندتا، چندعدد (سوالی)	kiom da
چندزبانه	plur.lingv.a
چندگوش (چندضلعی)	plur.angul.o
چندی، کمیت	kvant.o, kiomo
چنگال (حیوانات)	ung.eg.o
چنگال (غذاخوری)، چنگک (باغبانی)	fork.o
چنگک (باغبانی)، چنگال (غذاخوری)	fork.o
چه چیزی، چه، آن‌چیز که، که آن‌چیز	kio
چه‌طور، آن‌طور که، که آن‌طور	kiel
چه‌قدر، آن‌قدر که، که آن‌مقدار	kiom
چه‌کسی، کسی‌که، (اگر قبل از اسمی بیاید) کدام، که‌آن	kiu
چه‌وقتی، کِی، زمانی‌که، که آن‌زمان	kiam
چه، چه چیزی، آن‌چیز که، که آن‌چیز	kio
چهار، عدد 4	kvar
چهارشنبه	merkred.o
چهارگوش (چهارضلعی)	kvar.angul.o
چهره، صورت، سیما	vizaĝ.o
چوب	lign.o
چون(که)، زیرا	ĉar
چونی، کیفیت	kvalit.o, kiel.o

چیزِ شیرین، شیرینی	dolĉ.aĵ.o
چیز یا کار مورد علاقه	am.at.aĵ.o
چیز، شیء، مفعول	objekt.o
چیز، مورد، کار	afer.o
چیزی	io
چیدن (میز و ...)	aranĝ.i
حاصل (جمع، ...)، مَبلغ	sum.o
حاضر کردن، آماده کردن	prepar.i, pret.ig.i, tr
حاضر، آماده	pret.a
حافظه (انسان یا کامپیوتر)	memor.o
حاکمین، حکومت، قوای حاکمه	reg.ist.ar.o
حال، حالا، اکنون	nun
حالت، مورد، صورت	kaz.o
حالت، وضع	stat.o
حتی	eĉ
حدِ سِنی، محدوده‌ی سِنی، مرزِ سنی	aĝ.lim.o
حد، مرز، سرحد، محدوده	lim.o
حداقل، دستِ‌کم	almenaŭ
حدوداً، تقریباً	proksim.um.e
حرف (در الفبا)	litero
حرف اضافه‌ی فاقد معنی ثابت: سَرِ، به، در، ...	je
حرف تعریف معین	la
حرف تعریف، مقاله	artikol.o
حرف زدن، صحبت کردن	parol.i, ntr
حرفه‌ای، پیرو (پسوند)	—ist-
حرکت دادن، تکان دادن	mov.i, tr
حرکت کردن (با وسیله‌ی نقلیه)	vetur.i, ntr
حرکت، نهضتِ اسپرانتو	mov.ad.o
حس (پنج‌گانه)	sens.o
حسِ شنوایی، شنوایی	aŭd.ad.o
حس کردن، احساس کردن	sent.i, tr
حساب کردن، محاسبات کردن	komput.i, tr

حساب کردن، محاسبه کردن	kalkul.i, tr
حساب‌گر (دستگاه)، ماشین حساب	kalkul.il.o
حساب‌گر(انسانِ)	kalkul.em.a
حساس	sent.em.a
حساس در برابر (تغییرات) آب و هوا	veter.sent.em.a
حشره	insekt.o
حفر کردن، کَندن	fos.i, tr
حفره، سوراخ	tru.o
حفظ کردن، ازبرکردن	parker.ig.i, tr
حفظ کردن، محافظت کردن	protekt.i, tr
حفظ کردن، محفوظ داشتن	konserv.i, tr
حفظ کردن، نگه‌داشتن (در دست)	ten.i, tr
حق دادن به	prav.ig.i, tr
حق داشتن (در موردِ)	rajt.i, tr
حقوق (درآمد)	salajr.o
حقوق (رشته‌ی)	jur.o
حقیقت	ver.o
حقیقت‌اش را بگوییم، حقیقتاً	ver.dir.e
حقیقت‌دوستی	ver.am.o
حکایت کردن، تعریف کردن	rakont.i, tr
حکومت کردن	reg.i, ntr/tr
حکومت، قوای حاکمه، حاکمین	reg.ist.ar.o
حکیم، عاقل، خردمند	saĝ.a
حل کردن	solv.i, tr
حلقه	ring.o
حلقه (دوستان، ...)، مجمع، جمع	rond.o
حلقه‌ی انگشتر	fingr.o.ring.o
حلقه‌ی نامزدی (برای آقا)	fianĉ.iĝ.ring.o
حلقه‌ی نامزدی (برای خانم)	fianĉ.in..iĝ.ring.o
حمام (داخلِ خانه)	ban.ĉambr.o
حمام (عمومی)	ban.ej.o

حمام کردن	ban.i, tr
حمایت کردن	sub.ten.i, tr
حمل کردن	port.i, tr
حمل و نقل، ترانسپورت	trans.port.o
حمله کردن به	atak.i, tr
حیاط	kort.o
حیف	domaĝe
حینِ، درطولِ، مادامی‌که	dum
حکیم، دانشمند، عالِم	scienc.ul.o
حیوان	animal.o
خارجِ، بیرونِ	ekster
خارج، خارجه	ekster.land.o
خارجه، خارج	ekster.land.o
خارجی، بیگانه	fremd.a
خاک، زمین، کُره‌ی زمین	ter.o
خاکستری	griz.a
خاله یا عمه	onkl.in.o
خالی	mal.plen.a
خاموش کردن (آتش)	esting.i, tr
خاموش کردن (لامپ، رادیو)	mal.ŝalt.i, tr
خانم (ازدواج کرده، متأهل)	sinjor.in.o, s-ino
خانمِ جوان	jun.ul.in.o
خانمِ خانه‌دار	dom.mastr.in.o
خانم گُل‌فروش	flor.vend.ist.in.o
خانم(ها) و آقا(یان)	ge.sinjor.o.j, ges.
خانه (ساختمانِ آن)	dom.o
خانه (محیط معنوی آن)، منزل	hejm.o
خانه‌دار، صاحب‌خانه (دارای خانه)	dom.hav.ant.o
خانه‌داری کردن	mastr.um.i, ntr
خانواده	famili.o
خُب، خوب	nu
خجالت کشیدن	hont.i, ntr

خدا، خداوند	di.o
خداحافظ	adiaŭ
خدایی، الهی	di.a
خدمتِ سربازی	soldat.serv.o
خدمت کردن، سرویس دادن	serv.i, ntr
خدمت‌کار (آقا)	serv.ist.o
خدمت‌کار (خانم)	serv.ist.in.o
خَر، الاغ، درازگوش	azen.o
خراب کردن	detru.i, tr
خراب‌کاری کردن، سرهم‌بندی‌کردن	fuŝ.i, tr
خرج کردن، صرف کردن	el.spez.i, tr
خُرد خُرد، کَم کَم	et.et.e
خردمند، عاقل، حکیم	saĝ.a
خُرده نان	pan.er.o
خُرده، قطعه، تکه	pec.o
خریدار، خریدکننده	aĉet.ant.o
خریدن	aĉet.i, tr
خسته	lac.a
خسته‌کننده	lac.ig.a
خُشکِ خشک، بَرَهوت (زمین)	sek.eg.a
خشک، بی‌آب	sek.a
خصوصیت، ذات	ec.o
خط‌کش	lini.il.o
خط، سطر	lini.o
خطا کردن، اشتباه کردن	erar.i, ntr
خطر	danĝer.o
خلاف‌کار، متخلف، مقصر	kulp.a
خلق کردن، آفریدن	kre.i, tr
خم کردن	klin.i, tr
خنداندن	rid.ig.i, ntr
خنده‌آور	rid.ig.a
خنده‌دار	rid.ind.a
خندیدن	rid.i, ntr
خواب بودن، خوابیدن	dorm.i, ntr
خواب دیدن، رؤیا دیدن	sonĝ.i, tr
خواباندن	dorm.ig.i, tr
خوابیدن، خواب بودن	dorm.i, ntr
خواست، اراده	vol.o
خواستن، اراده کردن	vol.i, tr
خواندن، آواز خواندن	kant.i, ntr/tr
خواندن، مطالعه کردن، قرائت کردن	leg.i, tr
خواننده، آوازخوان	kant.ist.o
خواننده، مطالعه‌کننده	leg.ant.o
خواه‌ناخواه	vol.e.ne.vol.e
خواهر	frat.in.o
خواهرزاده یا برادرزاده (مذکر)	nev.o
خواهش کردن از، تقاضا کردن	pet.i, tr
خوب‌روی، زیباروی (شخص مؤنث)	bel.ul.in.o
خوب، خُب	nu
خوب، نیکو، نیک	bon.a
خود (برای تأکید)	mem
خود، خودش (ضمیر انعکاسی)	si
خودکفا	mem.sufiĉ.a
خوردن، تناول کردن	manĝ.i, tr
خورشید	sun.o
خوش‌آیند، مطبوع	agrabl.a, plaĉ.a
خوش‌بخت	feliĉ.a
خوش‌دل، خوش‌قلب	bon.kor.a
خوش‌سلیقه، خوش‌مزه	bon.gust.a
خوش‌قلب، خوش‌دل	bon.kor.a
خوش‌مزه، خوش‌سلیقه	bon.gust.a
خوش‌نیت، با حُسن نیت	bon.intenc.a
خوش(حال)، شاد(مان)	gaj.a
خوشایند بودن	plaĉ.i, ntr

خوشحال کننده، شادی آور	ĝoj.ig.a
خوشنود، راضی	kontent.a
خوشه‌ی انگور	vin.ber.ar.o
خون	sang.o
خیابان	strat.o
خیابان اصلی	ĉef.strat.o
خیابان بُن‌بست	sak.strat.o
خیابان فرعی	strat.et.o
خیر، نَه	ne
خیلی	tre
خیمه‌شب‌بازی، تئاتر عروسکی	pup.teatr.o
داخلِ، در، درونِ	en
داخلی، درونی، باطنی	intern.a, ena
دادن	don.i, tr
داده (دِیْتا)	daten.o, dat.um.o
دارایی	hav.aĵ.o
دارنده، صاحب، مالک	posed.ant.o
داروی آرام‌بخش	trankvil.ig.aĵ.o
داستان بلند، رُمان	roman.o
داستان، تاریخ، قصه	histori.o
داشتن	hav.i, tr
داغ	varm.eg.a
دام‌پزشک	best.kurac.ist.o
دام، تَله	kapt.il.o
دامن	jup.o
دانا	saĝ.a
دانایی، دانش	sci(.ad).o
دانستن	sci.i, tr
دانش‌گاه	universitat.o
دانش‌کده	fakultat.o
دانش، دانایی	sci(.ad).o
دانش، علم	scienc.o

دانشمند، عالِم، حکیم	scienc.ul.o
دانشمند، محقق	scienc.ist.o
دانه‌ی باران، قطره‌ی باران	pluv.er.o
دانه‌ی برف	neĝ.er.o
دانه‌ی زنجیر	ĉen.er.o
دانه(ی غلات)	gren.o
دانه، تخم، بذر	sem.o
داوری کردن، قضاوت کردن	juĝ.i, tr
داوطلبانه، به‌خواستِ خود	mem.vol.e
دایره	cirkl.o
دایی یا عمو	onkl.o
دختر	knab.in.o
دختر (فرزند)	fil.in.o
دختر دایی، عمه، خاله یا عمو	kuz.o
دختر گُل‌فروش	flor.vend.ist.in.o
دخل کردن، درآوردن (پول)	en.spez.i, tr
دخل یا خرج	spez.o
در آن‌وقت، آن‌گاه، آن‌زمان	tiam
در این بین، در این مدت	inter.temp.e
در بالا، بالا(ی)، در طبقه‌ی بالا	supr.e
در جلو، قبلاً، پیش از این	antaŭ.e
در جمع، روی‌هم‌رفته، در کل	sum.e, en.tut.e
در حالِ توسعه	evolu.ant.a
در حال جوشیدن، جوشان	bol.ant.a
در حالِ حاضر	nun.temp.e
در حد کمال، کامل	perfekt.a
در درجه‌ی اول	unu.a.vic.e
در رویِ، رویِ، بر رویِ	sur
در زدن، ضربه زدن به در	pord.o.frap.i, ntr
در طولِ، درامتداد	laŭ.long.e
در ظاهر، ظاهراً	ŝajn.e
در ظرفِ	dum

در عوضِ، به‌جای	anstataŭ
در کل، در جمع، روی‌هم‌رفته	sum.e, en.tut.e
در لحظه‌ی آخر	last.a.moment.e
در محلی، جایی، در مکانی	ie
در هر کجا، درهرجا، هرکجا	ĉie
در واقع	efektiv.e, fakte
در یک کلام	unu.vort.e
درجلوی، (در) پیشِ، قبل (از)	antaŭ
در، درونِ، داخلِ	en
درآغوش کشیدن، بغل کردن	brak.um.i, tr
درآمدن، ظاهر شدن، پدیدار گشتن	aper.i, ntr
درآن‌جا، آن‌جا	tie
درآوردن (پول)، دخل کردن	en.spez.i, tr
درابتدا، اولا، نخست	unu.e
دراز کشیدن، لمیدن	kuŝ.i, ntr
دراز، طویل، طولانی	long.a
درامتداد، در طولِ	laŭ.long.e
دراین رابطه	ĉi.rilat.e
درب	pord.o
دربار	kort.eg.o
درباره‌ی، راجع به، درموردِ	pri
دربان، سرای‌دار	pord.ist.o
درجهتِ، برایِ، لهِ، به‌نفعِ	por
درحدودِ، اطرافِ، دُورِ	ĉirkaŭ
درحدودِ، تقریباً	ĉirkaŭ, proksim.um.e
درخت	arb.o
درختِ مثمر، درختِ میوه	frukt.arb.o
درختِ میوه، درختِ مثمر	frukt.arb.o
درخت‌چه	arb.et.o
درخشیدن	bril.i, ntr
درد آوردن، به‌درد آوردن	dolor.i, tr
درزمانِ خودش، به‌موقع خودش	si.a.temp.e

درزمانِ صحیح، سرِوقت، به‌موقع	ĝust.a.temp.e
درس	lecion.o
درس دادن به، تعلیم دادن	instru.i, lern.ig.i, tr
دُرست	korekt.a
درست کردن، ساختن، کردن، انجام دادن	far.i, tr
درست‌کار، عادل، منصف	just.a
درست، صحیح	ĝust.a
درطولِ، حینِ، مادامی‌که	dum
درک کردن، فهمیدن	kompren.i, tr
درمان کردن، مداوا کردن	kurac.i, tr
درمقابلِ، روبروی، برضدِ، علیهِ	kontraŭ
درموردِ، درباره‌ی، راجع به	pri
درمیانِ	inter
درهرجا، در هر کجا، هرکجا	ĉie
درهرصورت، به‌هرحال	ĉiu.kaz.e
دروغ	mensog.o
درونِ، در، داخلِ	en
درونی، داخلی، باطنی	intern.a
دریا، بحر	mar.o
دریاچه	lag.o, mar.et.o
دریافت کردن، گرفتن	ricev.i, tr
دریافت کننده (شخص)، گیرنده	ricev.ant.o
دریدن، پاره کردن	ŝir.i, tr
دزد	ŝtel.ist.o
دزدیدن، سرقت کردن	ŝtel.i, tr
دست (از انگشتان تا شانه)، بازو	brak.o
دست (از انگشتان تا مچ)	man.o
دستِ راستی (سیاست)، راست‌دست (شخص)	dekstr.ul.o
دست مالیدن، لمس کردن	palp.i, tr
دستِ‌کم، حداقل	almenaŭ
دست‌بند (زینتی)	brak.ring.o

دست‌گیره (درب)	man.il.o
دستگاه	aparat.o
دستمال	man.tuk.o
دستمال سفره (دستمال بشقاب)	teler.tuk.o
دستمال کاغذی	paper.tuk.o
دسته کردن، دسته‌بندی کردن	ar.ig.i, tr
دسته‌بندی کردن، دسته کردن	ar.ig.i, tr
دسته، گروه	grup.o, aro
دسته، مجموعه، گروه (پسوند)	—ar-
دستور دادن	ordon.i, tr
دستور زبان، گرامر	gramatik.o
دعوت کردن	invit.i, tr
دفاع کردن از	defend.i, tr
دفتر	kajer.o
دفتر (کار)	ofic.ej.o
دفعه، بار، مرتبه	foj.o
دفعی، ناگهانی	subit.a, eka
دقیق	preciz.a
دقیقه	minut.o
دکتر	doktor.o, d-ro
دکمه	buton.o
دکمه ماوْس یا موش‌واره	mus.buton.o
دل، قلب	kor.o
دَله‌دزدی کردن	ŝtel.et.i, tr
دلیر، شجاع	kuraĝ.a
دُم، دنباله	vost.o
دماغ، بینی	naz.o
دنبال کردن، پی‌روی کردن	sekv.i, tr
دنباله، دُم	vost.o
دندان	dent.o
دندانِ شیری	lakt.o.dent.o
دندانِ عقل	saĝ.o.dent.o
دندان‌پزشک	dent.ist.o
دنیا، جهان، گیتی	mond.o
دِه، دهکده	vilaĝ.o
دَه، عدد 10	dek
دهان	buŝ.o
دهشت، هراس	tim.eg.o
دهکده، دِه	vilaĝ.o
دَهه	jar.dek.o, dek.jar.o
دو برابر، دوبْل	du.obl.a
دو رو، دو چهره	du.vizaĝ.a
دو، عدد 2	du
دوا، دارو	san.ig.il.o
دوباره، از نُو	de.nov.e
دوبْل، دو برابر	du.obl.a
دوچرخه	bicikl.o
دوچرخه سواری کردن	bicikl.i, ntr
دوچرخه‌سوار	bicikl.ist.o
دوختن	kudr.i, tr
دود	fum.o
دودستی، با هر دو دست	ambaŭ.man.e
دوده، گوشت یا ماهیِ دودی	fum.aĵ.o
دودی کردن (ماهی یا گوشت)	fum.aĵ.i, tr
دُورِ، درحدودِ، اطرافِ	ĉirkaŭ
دور، دوردست	for, mal.proksim.a
دوربین عکاسی	fot.il.o
دوره‌ی آموزشی، کلاس (دوره‌ی آن)	kurs.o
دوره، مدت	period.o
دوست داشتن، عاشق بودن	am.i, tr
دوست داشتن، علاقه داشتن به	ŝat.i, tr
دوست داشتنی	am.ind.a
دوست شدن	amik.iĝ.i, ntr
دوستِ مکاتبه‌ای	leter.amik.o

دوست‌دارِ طبیعت، طبیعت‌دوست	natur.am.a
دوست، رفیق	amiko
دوستی، رفاقت	amik.ec.o
دوستی، عشق	am.o
دوشنبه	lund.o
دوشیزه (خانم)	fraŭl.in.o
دولت، ایالت	ŝtat.o
دویدن	kur.i, ntr
دیدار کردن با، ملاقات کردن	vizit.i, tr
دیدگاه، نقطه‌نظر	vid.punk.o, star.punkt.o
دیدن	vid.i, tr
دیروز	hieraŭ
دیسک	disk.o
دیسکِ سخت (هارد دیسک)	dur.disk.o
دیسکِ نَرم (فلاپی دیسک)	mol.disk.et.o
دیسکِ نوری (CD/CD-ROM=KD/KD-NLM)	lum.disk.o
دیسک نوریِ پُر ظرفیت (DVD)	lum.disk.eg.o
دیسک نوریِ فقط-خواندنی (CD-R=KD-L)	nur.leg.ebl.a komput.il.a lum.disk.o
دیسکِ نوریِ قابل بازنویسی (CD-RW=KD-RS)	viŝ.ebl.a lum.disk.o
دیسک‌گردان (درایو)	disk.turn.il.o
دیسکِت	disk.et.o
دیگر، (هم)اکنون	jam
دیگر، بیشتر	plu
دیگر، دیگری	ali.a
دین، مذهب	religi.o
دیوار	mur.o
دیوار صوتی	son.mur.o
دیوانه، مجنون	frenez.a
دیر	mal.fru.a
دیشب	last.nokt.e
ذات، خصوصیت	ec.o
رؤیا دیدن، خواب دیدن	sonĝ.i, tr
رئیس	estr.o
رئیس (پسوند)	—estr-
رئیس (جلسه، همایش، ...)، رئیس جمهور، پرِزیدِنت	prezid.ant.o
رئیس پلیس	polic.estr.o
رئیس جمهور، پرِزیدِنت	prezident.o
رئیس جمهور، رئیس (جلسه، همایش، ...)، پرِزیدِنت	prezid.ant.o
رئیسِ دولت، فرمان‌دارِ ایالت (در آمریکا)	ŝtat.estr.o
را، پایانه‌ی مفعول بی‌واسطه، مقصد حرکت و ابعاد گوناگون	—n
رابطه داشتن، مربوط بودن	rilat.i, ntr
رابطه، ارتباط	rilat.o
راجع به، درباره‌ی، درموردِ	pri
راحتی، آسایش	komfort.o
رادیو، اشعه	radi.o
راست (سَمت)	dekstr.a
راست‌دست (شخص)، دستِ راستی (سیاست)	dekstr.ul.o
راست، مستقیم	rekt.a
راضی، خوشنود	kontent.a
راندن (به جلو)، هُل دادن	puŝ.i, tr
راندن، سوق دادن	pel.i, tr
رانش‌گر (دِرایوِر)، راه‌اندازنده	pel.il.o
راه آهن	fer.voj.o
راه افتادن	ek.ir.i, ntr
راه رفتن	voj.ir.i, ntr
راه رفتن، رژه رفتن	marŝ.i, ntr

راه‌اندازنده، رانش‌گر (درایور)	pel.il.o
راه، معبر	voj.o
راهنمایی کردن، رهبری کردن	gvid.i, tr
رایانه، کامپیوتر	komput.il.o
رباعی	robaj.o, robai.o
ربع، یک‌چهارم	kvar.on.o
رحم کردن به، ترحم کردن به	kompat.i, tr
ردیف، نوبت، صف	vic.o
رُز، گُل رُز، گل سُرخ	roz.o
رژه رفتن، راه رفتن	marŝ.i, ntr
رساندن/ انتقال دادن (پیام، خبر)	komunik.i, tr
رُستنی، روییدنی	kresk.aĵ.o
رسم کردن، کِشیدن، طراحی کردن	desegn.i, tr
رسم، سُنَّت	tradici.o
رسیدن به ، نایل شدن به	ating.i, tr
رسیدن	al.ven.i, ntr
رشته‌کوه، کوهستان، سلسله جبال	mont.ar.o
رشته، تخصص، بخش	fak.o
رشد کردن، نمو کردن	kresk.i, ntr
رعایت کردن، ملاحظه کردن	konsider.i, tr
رَعد و برق	fulm.o.tondr.o
رفتار	kondut.o
رفتن	ir.i, ntr
رفیع، بلند، قدبلند، مرتفع	alt.a
رقصیدن	danc.i, ntr
رُمان، داستان بلند	roman.o
رنج بردن (از)	sufer.i, ntr/tr
رَنگ	kolor.o
رنگ کردن	kolor.ig.i, tr
رنگ‌کار، نقاش ساختمان	kolor.ig.ist.o
ره‌گذران، عابرین	pas.ant.o.j
رها کردن، (آزاد) گذاشتن (اجازه دادن)	las.i, tr

رها، آزاد	liber.a
رهبری کردن، راهنمایی کردن	gvid.i, tr
روابطِ متقابل	inter.rilat.o.j
روبروی، برضدِ، درمقابلِ، علیهِ	kontraŭ
روپوش، مانتو	mantel.o
رود، رودخانه	river.o
روز تولد	nask.iĝ.tag.o
روز، یوم	tag.o
روزنامه	ĵurnal.o
روزنامه‌ی اینترنتی	ret.ĵurnal.o
روش، طریقه، روال	manier.o
روش، مِتُد، طریقه، اُسلوب	metod.o
روشن (در مورد رنگ)، کم‌رنگ	hel.a
روشن بودن، نور دادن	lum.i, ntr
روشن کردن، توضیح دادن	klar.ig.i, tr
روشن کردن (لامپ، رادیو)	ŝalt.i, tr
روشن‌بین	klar.vid.a
روشن، واضح، شفاف	klar.a
روغن	ole.o
روغنِ بادام	migdal.ole.o
روغنِ ماهی	fiŝ.ole.o
روغن، چربی	gras.o
رومیزی (از پارچه، ...)	tabl.o.tuk.o
روی‌هم‌رفته، در جمع، در کل	sum.e
رویِ، در رویِ، بر رویِ	sur
روییدنی، رُستنی	kresk.aĵ.o
ریاست کردن	prezid.i, tr
ریختن، افتادن، سقوط کردن	fal.i, ntr
ریسمان، طناب	ŝnur.o
ریختن (مایعات)	verŝ.i, tr
زاده (پسوند)	—id-
زاویه، گوشه	angul.o

زایاندن، به‌دنیاآوراندن	nask.ig.i, tr2
زاییدن، به‌دنیاآوردن	nask.i, tr
زاییده شدن، به‌دنیاآورده شدن	nask.iĝ.i, tr
زبان (عضو بدن)	lang.o
زبان (مانند فارسی و اسپرانتو)	lingv.o
زبانِ اسپرانتو	Esper.ant.o, Esp., E-o
زبان طراحی شده یا ابداعی (مانند اسپرانتو، ولاپوک، لُگ‌لان، ...)	plan.lingv.o
زبردست، ماهر	lert.a
زحمت کشیدن	pen.i, ntr
زدن، کتک زدن	bat.i, tr
زَر، طلا	or.o
زرد (رنگ)	flav.a
زرده‌ی تخم (مرغ)	ov.flav.o
زشت	aĉ.a
زشت شدن	aĉ.iĝ.i, ntr
زشتی (پسوند)	—aĉ-
زغال، کَربُن	karb.o
زمان، وقت	temp.o
زمانی دیگر، وقتی دیگر	ali.temp.e
زمانی‌که، چه‌وقتی، کِی، که آن‌زمان	kiam
زمانی، وقتی، هنگامی، یک‌وقتی	iam
زمستان	vintr.o
زمین، کُرهِ زمین، خاک	ter.o
زمینه، مزرعه، کَمپ	kamp.o
زن (در مقابل مرد)	vir.in.o
زن (همسر)	edz.in.o
زن و شوهر(ها)	ge.edz.o.j
زن و مرد (ها)	ge.vir.o.j
زنانه، مربوط به خانم‌ها	in.a, vir.in.a
زندگی کردن، زیستن، زنده بودن	viv.i, ntr
زندگیِ مشترک، هم‌زیستی	kun.viv.ad.o
زنده بودن، زندگی کردن، زیستن	viv.i, ntr
زنگ (خانه)	sonor.il.o
زنگ (دوچرخه، ...)	tint.il.o
زوج، جفت	par.o
زود (قبل از وقت)، به‌زودی	fru.e
زود، سریع (صفت)	baldaŭ.a
زود، فوراً (قید)	tuj
زیاد، متعدد	plur.a.j, mult.e da
زیبا، قشنگ، خوشگل	bel.a
زیباترین، قشنگ‌ترین	plej bela
زیباروی، خوب‌روی (شخص مؤنث)	bel.ul.in.o
زیبایی، قشنگی	bel.o, bel.ec.o
زیرِ، تحتِ، پایینِ	sub
زیرا، چون(که)	ĉar
زیردامنی	sub.jup.o
زیرزمینی	sub.ter.a
زیستن، زندگی کردن، زنده بودن	viv.i, ntr
زیاد (خیلی)	(tre) mult.e
ژانویه (ماه میلادی)	januar.o
ژرف، عمیق، گُود	profund.a
ژوئن، جون (ماه میلادی)	juni.o
ژوئیه، جولای (ماه میلادی)	juli.o
سؤال کردن از، پرسیدن از	demand.i, tr
سابق، قبلی، پیشین	eks.a, antaŭ.a
سابق، قبلی، پیشین (پیشوند)	eks—-
ساحل، کرانه	bord.o
ساختمان، بنا	konstru.aĵ.o
ساختن، بناکردن	konstru.i, tr
ساختن، فرا ساختن (با کار خود)	el.labor.i, tr
ساختن، کردن، انجام دادن، درست کردن	far.i, tr
ساخته شدن، شدن، انجام شدن	far.iĝ.i, ntr
ساده	simpl.a

ساز، آلت موسیقی	muzik.il.o
سازمان جهانیِ اسپرانتو (او اِ آ)	UEA, Universal.a Esper.ant.o-Asoci.o
سازمان جهانیِ اسپرانتودانان جوان (تِ یُ)	Tejo, tut.mond.a esper.ant.ist.a jun.ul.ar.a organiz.o
سازمان دادن	organiz.i, tr
سازمان، انجمن	asoci.o
ساعاتِ کار(ی)	labor.hor.o.j
ساعت (60 دقیقه)	hor.o
ساعت (دستگاه)	horloĝ.o
ساعتِ دیواری	mur.horloĝ.o
ساعت شماطه‌دار (بیدارکننده)	vek.horloĝ.o
ساعتِ مُچی (دستی)	brak.horloĝ.o
ساعت‌ساز، تعمیرکننده‌ی ساعت	horloĝ.ist.o
ساق پا	krur.o
ساک، کیسه	sak.o
ساکت بودن، سکوت کردن	silent.i, ntr
ساکت، کم‌حرف	silent.em.a
ساکن بودن، اقامت داشتن	loĝ.i, ntr
ساکنین	loĝ.ant.o.j
سال	jar.o
سال‌نامه	jar.libr.o
سالم کردن، سلامت بخشیدن به	san.ig.i, tr
سالم، سلامت	san.a
سالن همایش، محلِ همایش	kun.ven.ej.o
سالُن، تالار	salon.o
سایه	ombr.o
سبب، علت	kaŭz.o, kial.o
سبد	korb.o
سبز	verd.a
سبزه (رُستنی)	verd.aĵ.o
سبزی (خوردنی)	legom.o
سبقت گرفتن، ازکنارِ (چیزی یا کسی) عبور کردن	preter.pas.i, tr
سبکِ گفتار، نحوه‌ی گفتن	dir.manier.o
سبیل	lip.har.oj
سبُک	mal.pez.a
سَبک (ادبی، هنری، ...)	stil.o
سَبک، طریقه، روش	manier.o
سپتامبر (ماه میلادی)	septembr.o
سپید، سفید	blank.a
ستارگان، صورتِ فلکی	stel.ar.o
ستاره	stel.o
ستاره(ی سینما، ...)	stel.ul.in.o
ستم‌گر، ظالم	kruel.a
ستون (در مجله و کتاب)	rubrik.o
سجاده	preĝ.tapiŝ.o
سَحر، صبحِ زود	fru.maten.e
سخت، سفت (درمقابل نرم)	mal.mol.a
سخت، سفت، محکم، پابرجا	firm.a
سخت، مشکل	mal.facil.a
سخن‌رانی، خطابه	preleg.o
سده، قرن	cent.jar.o, jar.cent.o
سُر خوردن، سُریدن	glit.i, ntr
سَرِ، به، در، ... (حرف اضافه‌ی با معنی متغییر)	je
سَر، کَله	kap.o
سرآشپز	ĉef.kuir.ist.o
سرای‌دار، دربان	pord.ist.o
سرباز (در ارتش)	soldat.o
سَرحال، با جُنب و جوش، سرزنده	vigl.a
سرحال، تازه	freŝ.a
سرحد، مرز، حد، محدوده	lim.o
سُرخ، قرمز	ruĝ.a
سرد	mal.varm.a

سرزمین پدری، وطن	patr.uj.o, patr.o.land.o, patr.i.o
سرزمین، کشور	land.o
سرزنده، سَرحال، با جُنب و جوش	vigl.a
سرشار، متمول، ثروتمند، غنی	riĉ.a
سرقت کردن، دزدیدن	ŝtel.i, tr
سرگرم کردن	amuz.i, tr
سرگیجه	kap.turn.o
سرهم‌بندی‌کردن، خراب‌کاری کردن	fuŝ.i, tr
سروقت، به‌موقع، درزمانِ صحیح	ĝust.a.temp.e
سرویس دادن، خدمت کردن	serv.i, ntr
سِری، مجموعه	seri.o
سُریدن، سُر خوردن	glit.i, ntr
سریع، تُند، باسرعت	rapid.a
سریع، زود (صفت)	baldaŭ.a
سزاوار (چیزی) بودن	merit.i, tr
سزاوار ساختن	ind.ig.i, tr
سطح (فوقانی)	supr.aĵ.o
سطح، تراز	nivel.o
سطح، رویه، سطحِ رویی	supr.aĵ.o
سطحی	supr.aĵ.a
سطر، خط	lini.o
سعی کردن، پرو کردن، امتحان کردن	prov.i, tr
سفارت(خانه)	ambasador.ej.o, ambasado
سفارش دادن	mend.i, tr
سفارش کردن، توصیه کردن	rekomend.i, tr
سفر کردن، مسافرت کردن	vojaĝ.i, ntr
سفیدشویی (مغازه)	blank.ig.ej.o
سفید، سپید	blank.a
سفیده‌ی تخم (مرغ)	ov.blank.o
سفیر	ambasador.o
سقف	plafon.o
سقوط کردن، افتادن، ریختن	fal.i, ntr
سِکرِتِر، مُنشی	sekretari.o
سکوت کردن، ساکت بودن	silent.i, ntr
سگ	hund.o
سگ‌دانی	hund.ej.o
سلام	salut.o.n
سلام بر شما، سلام علیکم	saluton al vi
سلام کردن	salut.i, tr
سلامت بخشیدن به، شفا دادن	san.ig.i, tr
سلامت، سالم	san.a
سلسله جبال، کوهستان، رشته‌کوه	mont.ar.o
سلیقه، مذاق، مزه	gust.o
سماوی، آسمانی	ĉiel.a
سِمَت، مقام	ofic.o
سِن، طولِ عمر، طول زندگی	viv.daŭr.o
سِنّ، عُمر	aĝ.o
سُنَّت، رسم	tradici.o
سنجیدن، عمق‌سنجی کردن	sond.i, tr
سنگ	ŝton.o
سنگینی کردن، سنگینی داشتن	pez.i, ntr
سنگین	pez.a
سه‌شنبه	mard.o
سه‌ضلعی، سه‌گوش، مثلث	tri.angul.o
سِه، عدد 3	tri
سهل، آسان	facil.a
سو، طرف، جبهه	flank.o
سوار اتوبوس شدن	en.bus.iĝ.i, ntr
سوار شدن، داخل شدن	en.iĝ.i, ntr
سوار ماشین شدن	en.aŭt.iĝ.i, ntr
سواره	rajd.ant.o
سوارکار	ĉeval.rajd.isto
سوختن، سوزانده شدن	brul.i, ntr
سودمند بودن، فایده داشتن	util.i, ntr

سودمند، بافایده، مفید	util.a
سوراخ، حفره	tru.o
سورتمه	glit.vetur.il.o
سوزاندن	bril.ig.i, tr
سوزانده شدن، سوختن	brul.i, ntr
سوزن (خیاطی)	kurd.il.o
سوق دادن، راندن	pel.i, tr
سولیست، تک‌نواز، تک‌خوان (هنرمند)	sol.ist.o
سیاست	politik.o
سیاه‌بین، بدبین	nigr.a.vid.ul.o
سیاه‌چشم، سیه‌چشم	nigr.okul.a
سیاه، مِشکی، تیره	nigr.a
سیاهه، فاکتور	faktur.o
سیر (متضادِ گرسنه)	sat.a
سیستمِ شمارش دَه‌دَهی	dek.um.a nombr.o.sistem.o
سیستم، نظام	sistem.o
سیستماتیک، نظام‌مند	sistem.a
سیگار، سیگارِت	cigared.o
سیل، باران شدید	pluv.eg.o
سیم، مفتول	drat.o
سیما، چهره، صورت	vizaĝ.o
سینه	brust.o, sin.o
سیه‌چشم، سیاه‌چشم	nigr.okul.a
سیب	pom.o
سیب‌زمینی	ter.pom.o
شأن، مقام، مرتبه	rang.o
شاد بودن، خوشحال بودن	ĝoj.i, ntr
شاد(مان)، خوش(حال)	gaj.a
شاعر	poet.o
شاعره	poet.in.o
شاگرد، فراگیرنده، یادگیرنده، محصل	lern.ant.o
شام (غذا)	nokt.manĝ.aĵ.o
شام (وعده‌ی غذا)	nokt.manĝ.o
شام‌گاه، عصر	vesper.o
شانس، اقبال	ŝanc.o
شانه (برای مو)	komb.il.o
شانه (کِتف)	ŝultr.o
شانه کردن	komb.i, tr
شاه‌کار (تألیف)	ĉef.verk.o
شاه‌کلید	ĉef.ŝlos.il.o
شاه، پادشاه	reĝ.o
شاید، احتمالاً	ebl.e
شایستگی، لیاقت (پسوند)	—ind-
شب	nokt.o
شبانه‌روز	tag.nokt.o
شبکه‌ی اینترِنت، شبکه، تور، اینترِنت	ret.o
شبکه‌ی جهانی اینتر نِت	inter.ret.o
شبکه‌ی جهانیِ اینترنِت (WWW)	ttt, tut.ter.a teks.aĵ.o
شبکه، تور، شبکه‌ی اینترِنت، اینترِنت	ret.o
شبیه کردن، تشبیه کردن	simil.ig.i, tr
شبیه، مشابه، همانند	simil.a
شتر	kamel.o
شجاع، دلیر	kuraĝ.a
شخص	person.o
شخصِ باایمان ، مؤمن	kred.ant.o
شخصی، کسی، یک/یکی (اگر قبل از اسم بیاید)	iu
شخصیت	person.ec.o
شخصی، اختصاصی، مالِ خود	propr.a
شخصی، خصوصی	privat.a
شدت، بزرگی (پسوند)	—eg-
شدن	iĝ.i, ntr
شدن (پسوند برای ناگذرا یا لازم کردن)	—iĝ-
شدن، انجام شدن، ساخته شدن	far.iĝ.i, ntr
شراب	vin.o

شرایط، شروط	kondiĉ.o.j
شرق، مشرق	orient.o
شرکت کردن	part.o.pren.i, ntr
شروط، شرایط	kondiĉ.o.j
شروع شدن	ek.i, komenc.iĝ.i, ntr
شروع کردن، آغاز کردن	komenc.i, tr
شروع، آغاز (پیشوند)	ek—-
شرکت، کُمپانی	kompani.o
شستشو دادن، شستن	lav.i, tr
شستن، شستشو دادن	lav.i, tr
شِش، عدد 6	ses
شعر	poem.o
شعر و شاعری، نظم	poezi.o
شفا دادن، سالم کردن	san.ig.i, tr
شفاف، واضح، روشن	klar.a
شک داشتن، تردید داشتن	dub.i, ntr
شکار کردن، اسیر کردن	kapt.i, tr
شکافِ دکمه	buton.tru.o
شکاک	dub.em.a
شکاندن، شکستن	romp.i, tr
شکایت کردن، شکوه کردن	plend.i, ntr
شِکَر	suker.o
شِکَردان	suker.uj.o
شکستن، شکاندن	romp.i, tr
شکستن، شکسته شدن	romp.iĝ.i, ntr
شکل، فُرم	form.o
شِکوه کردن، شکایت کردن	plend.i, ntr
شگفتی‌آور، تعجب‌آور	mir.ig.a
شلوار	pantalon.o
شما، تو (ضمیر دوم شخص مفرد و جمع)	vi
شمار، تعداد	nombr.o
شماره، نُمره	numer.o, n-ro
شماره تلفن	telefon.numer.o
شمال	nord.o
شمال شرقی	nord.orient.o
شمردن	nombr.i, tr
شنا کردن، آب‌تنی کردن	naĝ.i, ntr
شناختن، آشنا بودن با	kon.i, tr
شنبه	sabat.o
شنوایی، حسِ شنوایی	aŭd.ad.o
شنوندگان	aŭskult.ant.o.j
شنیدن	aŭd.i, tr
شنیدن (با دقت)، گوش‌دادن	aŭskult.i, tr
شهر	urb.o
شهرِ بندری (مانند بندر عباس)	haven.urb.o
شهردار	urb.estr.o
شهرداری (تالارِ شهر)	urb.dom.o
شهرستان	provinc.o
شهرنشین، شهری	urb.an.o
شهری	urb.a
شهیر، مشهور، معروف	fam.a
شوخ‌طبع	ŝerc.em.a
شوخی کردن، مزاح کردن	ŝerc.i, ntr
شورمز(ه)	sal.gust.a
شوهر	edz.o
شوهرِ ملکه	reĝ.in.edz.o
شیء، چیز، مفعول	objekt.o
شیر (آب و غیره)	kran.o
شیر (حیوان)	leon.o
شیر (نوشیدنی)	lakt.o
شیرقهوه	lakt.o.kaf.o
شیرین	dolĉa
شیرینی، چیزِ شیرین	dolĉ.aĵ.o
شیرینی، کِیک	kuk.o

شیشه	vitr.o
شیشه‌پاک‌کن (اتومبیل، "برف‌پاک‌کن")	vitr.o.viŝ.il.o
شکیبایی، صبر	pacienc.o
صابون	sap.o
صاحب‌خانه (در برابر مستأجر)	dom.posed.ant.o
صاحب‌خانه، خانه‌دار (دارای خانه)	dom.hav.ant.o
صاحب، دارنده، مالک	posed.ant.o
صاف، مسطح	eben.a
صبح	maten.o
صبحِ زود، سَحر	fru.maten.e
صبحانه (غذا)	maten.manĝ.aĵ.o
صبحانه (وعده‌ی غذا)	maten.manĝ.o
صبر، شکیبایی	pacienc.o
صحبت کردن، حرف زدن	parol.i, ntr
صحیح، درست	ĝust.a
صخره	ŝton.eg.o
صدا دادن	son.i, ntr
صدا زدن، فرا خواندن	vok.i, tr
صدا(ی انسان یا حیوان)	voĉ.o
صراف	ŝanĝ.ist.o
صرف کردن، خرج کردن	el.spez.i, tr
صف، نوبت، ردیف	vic.o
صفت (پایانه)	—a
صفحه (کتاب، مجله، ...)	paĝ.o
صفحه‌ی نمایش، نمایش‌گر (مونیتور)	monitor.o
صفحه، دیسک (گرامافون، کامپیوتر، ...)	disk.o
صفر، هیچ	nul(.o)
صلح‌آمیز، باآرامش، دوستانه	pac.a
صلح‌دادن، آشتی‌دادن	pac.ig.i, tr
صلح‌دوست	pac.am.a
صلح‌گرا، صلح‌طلب	pac.em.a

صلح‌کردن، آشتی‌کردن	pac.iĝ.i, ntr
صلح، آرامش، آشتی	pac.o
صندلی	seĝ.o
صنعت	industri.o
صورتِ فلکی، مجموعه‌ی‌ستارگان	stel.ar.o
صورت، چهره، سیما	vizaĝ.o
صورت، مورد، حالت	kaz.o
صوفی، پشمینه‌پوش	sufi.o
ضخیم، قطور، چاق	dik.a
ضرب (پسوند)	—obl-
ضرب کردن	obl.ig.i, tr
ضرب‌المثل	popol.dir.o, proverb.o
ضربه زدن به	frap.i, tr
ضربه زدن به در، در زدن	pord.o.frap.i, ntr
ضروری، لازم	neces.a
ضمیر شخصیِ نامعین: عده‌ای، مردم، برخی	oni
طباخی کردن، پختن	kuir.i, tr
طباخی، آشپزی	kuir.ad.o
طبع کردن، چاپ کردن	pres.i, tr
طبقِ قانون، بنابر قانون	laŭ.leĝ.e
طبقِ، بنابر، به‌نظر، به‌موازاتِ	laŭ
طبقه (اجتماعی، ...)، کلاس	klas.o
طبقه (ساختمان، ...)، اُشکوب	etaĝ.o
طبقه (قفسه، ...)	bret.o
طبیب، پزشک، دکتر	kurac.ist.o
طبیعت	natur.o
طبیعت‌دوست، دوست‌دارِ طبیعت	natur.am.a
طراحی کردن، کِشیدن، رسم کردن	desegn.i, tr
طرح، پروژه	projekt.o
طرح، پلان، نقشه	plan.o
طرف، جبهه، سو	flank.o
طرف، جهت، سو	direkt.o

طریقه، روش، روال	manier.o
طریقه، مِتُد، روش، اُسلوب	metod.o
طلا، زَر	or.o
طلب کردن، طلبیدن، ایجاب کردن	postul.i, tr
طلوع خورشید	sun.lev.iĝ.o
طناب، ریسمان	ŝnur.o
طور، جور، طریقه	manier.o
طوری، به‌ترتیبی، یک‌جوری	iel
طوفان، بادِ شدید	vent.eg.o
طولِ عمر، سِن، طول زندگی	viv.daŭr.o
طول کشیدن	daŭr.i, ntr
طول، درازا	long.(ec.)o
طولانی، طویل، دراز	long.a
ظالم، ستم‌گر	kruel.a
ظاهر شدن، پدیدار گشتن، درآمدن	aper.i, ntr
ظاهراً، احتمالاً، حقیقتاً	ver.ŝajn.e
ظاهراً، در ظاهر	ŝajn.e
ظرف (برای آشپزی)	pot.o
ظرف (برای مایعات)	kruĉ.o
ظرفیتِ حافظه	memor.kapacit.o
ظهر، نیم‌روز	tag.mez.o
عابرین، ره‌گذران	pas.ant.o.j
عادت (پیدا) کردن	kutim.iĝ.i, ntr2
عادت دادن	kutim.ig.i, tr
عادت داده شدن	kutim.iĝ.i, ntr2
عادت داشتن	kutim.i, ntr
عادل، درست‌کار، منصف	just.a
عادی، معمولی	ordinar.a
عارف	mistik.ul.o
عاشق	am.ant.o
عاشق بودن، دوست داشتن	am.i, tr
عاشق و معشوق (ها)، عشاق	ge.am.ant.o.j
عاقل، حکیم، خردمند	saĝ.a
عالِم، دانشمند	scienc.ul.o
عالی، بسیار خوب	bon.eg.a
عبادت کردن، نماز خواندن	preĝ.i, ntr
عبور کردن، گذشتن	pas.i, ntr
عجیب	strang.a
عرفان	mistik.ism.o
عروس، نوعروس، تازه‌عروس	nov.edz.in.o
عروسک	pup.o
عروسی کردن، ازدواج کردن	ge.edz.iĝ.i, ntr
عُریان، لُخت	nud.a
عریض، پَهن	larĝ.a
عزیز، گرامی، گران	kar.a
عشاق، عاشق و معشوق (ها)	ge.am.ant.o.j
عشق دوطرفه	inter.am.o
عشق ورزیدن به، دوست داشتن	am.i, tr
عشق، دوستی	am.o
عصبانی (کرده) شدن	koler.iĝ.i, ntr2
عصبانی بودن	koler.i, ntr
عصر، شام‌گاه	vesper.o
عصرانه (غذا)	vesper.manĝ.aĵ.o
عصرانه (وعده‌ی غذا)	vesper.manĝ.o
عضو (بدن یا جامعه)	membr.o
عضو (پسوند)	—an-
عضو شدن	an.iĝ.i, membr.iĝi, ntr
عضوِ هیئت رئیسه	estr.ar.an.o
عضویت	membr.ec.o, aneco
عظمت، بزرگی	grand.ec.o, eg.ec.o
عفو کردن، بخشیدن	pardon.i, tr
عقیده داشتن راجع به	opini.i, tr
عکس گرفتن از	fot.i, tr
علاقه داشتن به، دوست داشتن	ŝat.i, tr

علاقه‌مند کردن	interes.i, tr
علامت، مارک (تجاری)	mark.o
علامت، نشان (رسمی)	insign.o
علامت، نشانه	sign.o
علت، سبب	kaŭz.o, kial.o
علف	herb.o
علف هرز	herb.aĉ.o
علم، دانش	scienc.o
علیهِ، روبروی، برضدِ، درمقابلِ	kontraŭ
عمارت، ساختمان	konstru.aĵ.o
عُمر، سِنّ	aĝ.o
عمر، طولِ سِن، طول زندگی	viv.daŭr.o
عمق‌سنجی کردن، سنجیدن	sond.i, tr
عمل کردن، اقدام کردن	ag.i, ntri
عمل‌کرد داشتن، کارکردن	funkci.i, ntr
عملی	praktik.a
عمه یا خاله، زن دایی یا عمو	onkl.in.o
عمو یا دایی، شوهر خاله یا عمه	onkl.o
عموم (مردم)	publik.o
عمومی، کلی	ĝeneral.a
عمیق، گُود، ژرف	profund.a
عوض کردن، تغییر دادن	ŝanĝ.i, tr
عوض کردن، مبادله کردن	inter.ŝanĝ.i, tr
عوضِ، به‌جای	anstataŭ
عینک (ها)	okul.vitr.o.j
عینی	konkret.a
عید نوروز، نوروز	Noŭruz.o, Nov.tag.o
عید، روز عید	fest.o.tag.o
عیسوی، مسیحی (شخص)	krist.an.o
غرب، مغرب	okcident.o
غروبِ خورشید	sun.sub.ir.o
غزال	gazel.o

غزل	gazal.o
غلطاندن، گرداندن	rul.i, tr
غنی از نظر تعدادِ کلمات، پُرواژه	vort.riĉ.a
غنی، متمول، ثروتمند، سرشار	riĉ.a
غیر از، به‌جز، به‌علاوه، جدا از	krom
غیر ازاین‌که، به‌جزاین‌که	krom tio ke
غیر قابلِ پیش‌بینی	ne.antaŭ.vid.ebl.a
غیر قطعی، نامطمئن، مشکوک	ne.cert.a
غیرترجمه، اصل، اصیل	original.a
فائق آمدن بر، پیروز شدن بر	venk.i, tr
فاتح	venk.int.o
فاتح شدن بر، پیروز شدن بر	venk.i, tr
فارسی، پارسی	persa
فاعلِ زمان آینده (پسوند)	—ont-
فاعلِ زمان حال (پسوند)	—ant-
فاعلِ زمان حال (پسوند)	—int-
فاقدِ، بدونِ، بی	sen
فاکتور، سیاهه	faktur.o
فایده داشتن، سودمند بودن	util.i, ntr
فرا خواندن، صدا زدن	vok.i, tr
فرا ساختن، ساختن	el.labor.i, tr
فرار کردن، دررفتن	fuĝ.i, ntr
فرار کردن، گریختن	eskap.i, ntr
فراساخته، مصنوعی	art.e.far.it.a
فراگرفتن، یاد گرفتن، آموختن	lerni, tr
فراگیرنده، شاگرد، یادگیرنده، محصل	lern.ant.o
فراموش کردن	forges.i, tr
فراموش‌کار	forges.em.a
فردا	morgaŭ
فرستادن، ارسال کردن	send.i, tr
فرستنده (دستگاه)	send.il.o
فرستنده (شخص)، ارسال کننده	send.int.o

فرستنده(ی نامه)	adres.ant.o
فرش	tapiŝ.o
فرصت، اُکازیون	okaz.o
فرصت، شانس	ŝanc.o
فرصت، وقت	temp.o
فرصت (مناسب)، مجال	oportun.o
فرق داشتن، تفاوت داشتن	diferenc.i, ntr
فرمِ پیوستن به همایش و ...	al.iĝ.il.o
فُرم، شکل	form.o
فرمان‌بردار، مُطیع	obe.em.a
فرمان‌دارِ ایالت (در آمریکا) ، رئیسِ دولت	ŝtat.estr.o
فرمانبری کردن از، اطاعت کردن از	obe.i, tr
فرمودن، دستور دادن	ordon.i, tr
فرهنگ	kultur.o
فرهنگ(لغات)، واژه‌نامه	vort.ar.o
فروختن	vend.i, tr
فرودگاه	flug.haven.o
فروش‌گاه، مغازه	vend.ej.o
فروشنده	vend.ist.o
فریاد کشیدن	kri.i, ntr
فریب دادن، اغفال کردن	tromp.i, tr
فشار دادن، فشردن	prem.i, tr
فشردن، فشار دادن	prem.i, tr
فصل (سال)	sezon.o
فصل (کتاب)	ĉapitr.o
فعال، معلوم (در مقابل مجهول در گرامر)	aktiv.a
فعل (در جمله)	verb.o
فعل زمان آینده (پایانه)	—os-
فعل زمان حال (پایانه)	—as
فعل زمان حال (پایانه)	—is
فعل شرطیِ بعید یا ناممکن (پایانه)	—us

فعل، عمل، اقدام	ag.o
فعلاً	nun.temp.e, nun
فقط، تنها	nur
فکر کردن، اندیشیدن	pens.i, ntr
فلز	metal.o
فنجان	tas.o
فنجان	tas.o
فنجانِ چای	te.tas.o
فهرست، لیست	list.o
فهمیدن، درک کردن	kompren.i, tr
فوت کردن، از دنیا رفتن	forpasi, ntr
فوتبال	futbal.o, pied.pilk.o
فوراً، زود	tuj
فِوریه (ماه میلادی)	februar.o
فوق‌طبیعی، ماورای طبیعی	super.natur.a
فوقِ، برفرازِ	super
فوقانی، بالایی	supr.a
فولاد، پولاد	ŝtal.o
فیلم	film.o
فیلمِ صامت	silent.film.o
فیلمِ صدادار (همراه با موسیقی)	son.film.o
فیلمِ ناطق (همراه با صحبت ها)	parol.film.o
فیلم‌ساز	film.ist.o
قاب، کادر، چارچوب	kadr.o
قابلِ ترحم	kompat.ind.a
قابل تغییر، متغیر	ŝanĝ.ebl.a
قابلِ توجه	atent.ind.a
قابلِ حل (شدن)	solv.ebl.a
قابلِ شُرب، قابلِ نوشیدن، آشامیدنی	trink.ebl.a
قابل محاسبه	kalkul.ebl.a
قابلِ ملاحظه	konsider.ind.a
قابلِ نوشیدن، قابلِ شُرب، نوشیدنی	trink.ebl.a

قابل، سزاوار، شایسته	ind.a
قابل، ممکن، محتمل	ebl.a
قابلیت، احتمال، امکان (پسوند)	—ebl-
قادر بودن، توانستن	pov.i, tr
قادر، توانا	kapabl.a
قاشق	kuler.o
قاضی	juĝ.ist.o
قاعده	regul.o
قالی‌چه	tapiŝ.et.o
قالی، فرش	tapiŝ.o
قانون	leĝ.o
قانون‌گذار	leĝ.don.a
قانونی	leĝ.a, laŭ.leĝa
قانونی کردن	leĝ.ig.i, tr
قبل‌از، پیش‌از	antaŭ
قبل‌ازظهر، پیش‌ازظهر	antaŭ.tag.mez.o, a.t.m.
قبلاً، پیش از این، در جلو	antaŭ.e
قبول کردن، پذیرفتن	akcept.i, tr
قدبلند، بلند، رفیع، مرتفع	alt.a
قدری، مقداری	iom
قدم زدن، گام برداشتن	paŝ.i, ntr
قدّیسه	sankt.ul.in.o
قدیمی، باستانی	antikv.a
قدیمی، کهنه	mal.nov.a
قرائت کردن، مطالعه کردن، خواندن	leg.i, tr
قرار دادن، گذاردن، گذاشتن	met.i, tr
قرض دادن، امانت دادن	prunt.e.don.i, tr
قرض گرفتن، امانت گرفتن	prunt.e.pren.i, tr
قرمز، سُرخ	ruĝ.a
قرن، سده	jar.cent.o, cent.jar.o
قسمت، بخش	part.o
قشنگی، زیبایی	bel.o

قصد داشتن	intenc.i, tr
قصه، تاریخ، داستان	histori.o
قضاوت کردن، داوری کردن	juĝ.i, tr
قطار	vagon.ar.o
قطره‌ی باران، دانه‌ی باران	pluv.er.o
قطعه‌ی موسیقی	muzik.aĵ.o
قطعه، تکه، خُرده	pec.o
قطعی شدن، مطمئن شدن	cert.iĝ.i, ntr
قطعی، مطمئن، مشخص	cert.a
قطعیت بخشیدن به، قطعی کردن	cert.ig.i, tr
قطعی کردن، قطعیت بخشیدن به	cert.ig.i, tr
قطور، ضخیم، چاق	dik.a
قفسه	ŝrank.o
قفل	serur.o
قفل کردن، کلید کردن	ŝlos.i, tr
قُقنوس، پرنده‌ی آتشین	fajr.o.bird.o
قلب، دل	kor.o
قلم، پَر(پرندگان)	plum.o
قلم، نوشت‌ابزار	skrib.il.o
قلمرو، منطقه	region.o
قند	suker.kub.o
قهقهه زدن	rid.eg.i, ntr
قهوه	kaf.o
قهوه‌ای	brun.a
قوای حاکمه، حکومت، حاکمین	reg.ist.ar.o
قوری	te.kruĉ.o
قوطی، جعبه	skatol.o
قول دادن	promes.i, tr
قوی، نیرومند	fort.a
قیچی	tond.il.o
قیچی کردن	tond.i, tr
قید (پایانه)	—e

قیمت، بهاء	prez.o
کاپیتان کشتی، ناخدای کشتی	ŝip.estr.o
کادر، قاب، چارچوب	kadr.o
کار یا چیز مورد علاقه	am.at.aĵ.o
کارِ یَدی، کارِ دستی (بدنی)	man.labor.o
کار، چیز، مورد	afer.o
کارت، نقشه، لوحه	kart.o
کارد، چاقو	tranĉ.il.o
کارکردن	labor.i, ntr
کارکردن، عملکرد داشتن	funkci.i, ntr
کارگر ساختمانی، بنا	konstru.ist.o
کاست (نوار)	kased.o
کاغذ	paper.o
کافی، مکفی، بَس	sufiĉ.a
کالابرگ، کوپُن	kupon,o
کالبد، بدن، جسم	korp.o
کامپیوتر، رایانه	komput.il.o
کامل، پُر، جامع	plen.a, kompleta
کامل، در حد کمال	perfekt.a
کانون، مرکز	centr.o
کبریت (چوب کبریت)	alumet.o
کبریت (قوطی کبریت)	alumet.uj.o
کپسول اُکسیژن، مخزن هوا	aer.uj.o
کُپی کردن	kopi.i, tr
کتاب	libr.o
کتابِ آموزشی	lern.o.lobr.o
کتابِ جیبی	poŝ.libr.o
کتاب راهنما	gvid.libr.o
کتاب شعر	poem.libr.o
کتابِ قرائت	leg.o.libr.o
کتاب‌چه	libr.et.o
کتاب‌خانه	bibliotek.o, libr.ej.o
کتاب‌فروش	libr.ist.o
کتک زدن، زدن	bat.i, tr
کثیف	mal.pur.a
کجا، آنجا که، جایی که، که آن‌جا	kie
کدام (اگر قبل از اسم بیاید)، چه‌کسی	kiu
کرانه، ساحل	bord.o
کردن (پسوند برای گذرا یا متعدی کردن)	—ig-
کردن، انجام دادن	far.i, tr
کردن، وادار کردن	ig.i, tr
کَره	buter.o
کُره اسب	ĉeval.id.o
کُره‌ی زمین، زمین، خاک	ter.o
کسره‌ی اضافه ـِ، از (مبدأ)	de
کسی، شخصی، یک/یکی (اگر قبل از اسم بیاید)	iu
کسی، کس، شخص، فرد	person.o
کَشتی	ŝip.o
کُشتی	lukt.o
کِشمِش	sek.vin.ber.o
کِشو	tir.kest.o
کشور، سرزمین	land.o
کشورهای در حال توسعه	evolu.land.o.j
کشیدن (به طرف خود)	tir.i, tr
کِشیدن، رسم کردن، طراحی کردن	desegn.i, tr
کَف (زمین)	plank.o
کفاش	ŝu.ist.o
کفاشی	ŝu.ist.ej.o
کفش	ŝu.o
کفش‌فروشی	ŝu.ej.o
کُل، تمامِ، همه‌ی	tut.a
کلاس (دوره‌ی آن)، دوره‌ی آموزشی	kurs.o
کلاس، طبقه (اجتماعی، ...)	klas.o

کلاه	ĉapel.o
کلمه‌سازی، واژه‌سازی	vort.far.ad.o
کلمه، واژه، لغت	vort.o
کلوپ، باشگاه	klub.o
کلی، عمومی	ĝeneral.a
کلید	ŝlos.il.o
کلید کردن، قفل کردن	ŝlos.i, tr
کلیک کردن، دکمه‌ی ماوْس را فشردن، تَرَق تَرَق کردن	klak.i, ntr
کم، اندک	mal.mult.e, ete
کَم کَم، خُرد خُرد	et.et.e
کم‌بودن، نبودن، وجود نداشتن	mank.i, ntr
کم‌حرف، ساکت	silent.em.a
کم‌رنگ، روشن (در مورد رنگ)	hel.a
کمال مطلوب، ایده‌آل، آرمان	ideal.o
کَمپ، مزرعه، زمینه	kamp.o
کمک کردن، یاری کردن	help.i, tr
کمیت، چندی	kvant.o, kiom.o
کمیته، هیأت	komitat.o
کنارِ	apud
کناره، لبه	rand.o
کنترل کردن، بازرسی کردن	kontrol.i, tr
کنجکاو	sci.vol.em.a
کَندن، حفر کردن	fos.i, tr
کُنش‌گرا، فعال، معلوم(در مقابل مجهول در گرامر)	aktiv.a
کنگره، همایش	kongres.o
که	ke
که آن‌جا، کجا، آنجا که، جایی که	kie
که آن‌چیز، چه چیزی، چه، آن‌چیز که	kio
که آن‌زمان، چه‌وقتی، کِی، زمانی‌که	kiam
که آن‌طور، چه‌طور، آن‌طور که	kiel

که آن‌گونه، چگونه، آن‌گونه که	kia
که آن‌مقدار، چه‌قدر، آن‌قدر که	kiom
که به‌آن علت، چرا، به‌آن علت که	kial
که صاحب آن، مال چه‌کسی	kies
که‌آن (اگر همراه با اسم بیاید)، چه‌کسی	kiu
کهنه، قدیمی	mal.nov.a
کوپُن، کالابرگ	kupon,o
کوتاه (درمقابل طویل و طولانی)	mal.long.a
کوتاه، قدکوتاه، کم‌ارتفاع	mal.alt.a
کوچک (پسوند)	—et-
کوچک، خُرد	mal.grand.a, eta
کوچه	ale.o
کودک، بچه	infan.o
کوشش کردن، تلاش کردن	klopod.i, ntr
کوک کردن (ساعت)، جمع کردن (قوا)	streĉ.i, tr
کوه	mont.o
کوهستان، رشته‌کوه، سلسله جبال	mont.ar.o
کِی، زمانی‌که، چه‌وقتی، که آن‌زمان	kiam
کیسه، ساک	sak.o
کیف (پول)	mon.uj.o
کیف (دستی)	tek.o
کیف (کتاب و دفتر)	libr.uj.o
کیفیت، چونی	kvalit.o
کِیک، شیرینی	kuk.o
کیلو بایت، حدود هزار بایت	kilo.bajt.o
کیلو، کیلوگرم	kilo(.gram.o)
کیلو، یک هزار (10 به‌توانِ 3)	kilo—-
کیلوگرم، کیلو	kilo(.gram.o)
کیلومتر	kilo.metr.o
کیفیت، چونی	kvalit.o, kiel.o
گاری	ĉar.o
گاریِ دستی، گاری‌چه	ĉar.et.o

گاری‌چه، گاریِ دستی	ĉar.et.o
گاری‌چی	ĉar.ist.o
گاز	gas.o
گام برداشتن، قدم زدن	paŝ.i, ntr
گاه‌گاهی، هر از گاهی	foj.foj.e
گاه، گاهی	iam
گاو	bov.o
گدا	almoz.pet.ant.o
گذاردن، گذاشتن، قرار دادن	met.i, tr
گذاشتن، گذاردن، قرار دادن	met.i, tr
گذران احوال کردن	fart.i, ntr
گذشتن	pas.i, ntr
گذشتن، عبور کردن	pas.i, ntr
گذشته (اسم)	pas.int.ec.o
گذشته (صفت)	pas.int.a
گرامر، دستور زبان	gramatik.o
گرامی، عزیز، گران	kar.a
گران، گران‌قیمت	kar.a, mult.e.kost.a
گرایش (پسوند)	—em-
گرایش داشتن به، تمایل داشتن به	em.i, tr
گربه	kat.o
گِرد، مُدوَر	rond.a
گردآوردن، جمع‌آوری کردن	kolekt.i, tr
گرداندن، چرخاندن	turn.i, tr
گردش (علمی/تفریحی)	ekskurs.o
گردش کردن (پیاده)	promen.i, ntr
گردش‌گر، توریست، جهان‌گرد	turist.o
گردش‌گری، جهان‌گردی، توریسم	turism.o
گردن	kol.o
گردن‌بند	kol.ring.o
گردیدن، شدن، گشتن	iĝ.i, far.iĝ.i, ntr
گرسنه	mal.sat.a
گرفتن، برداشتن	pren.i, tr
گرفتن، دریافت کردن	ricev.i, tr
گرفتن، شکار کردن، اسیر کردن	kapt.i, tr
گرم، با حرارت	varm.a
گروهِ کُر یا هم‌خوانان	ĥor.o
گروه، دسته	grup.o, ar.o
گروه، مجموعه، دسته (پسوند)	—ar-
گریستن، گریه کردن	plor.i, ntr
گریه کردن، گریستن	plor.i, ntr
گزارش کردن	raport.i, tr
گسترده، وسیع	vast.a
گشتن (به‌دنبال چیزی)، جستجو کردن	serĉ.i, tr
گشودن، بازکردن	mal.ferm.i, tr
گفت‌وگو	dialog.o, inter.parol.o
گفتن	dir.i, tr
گُل	flor.o
گُل آفتاب‌گردان	sun.flor.o
گُل رُز، رُز، گل سُرخ	roz.o
گل سُرخ، رُز، گُل رُز	roz.o
گُلِ کاغذی (ساخته شده از کاغذ)	paper.flor.o
گُل یخ (گل برف)	edelvejs.o, neĝ.flor.o
گُل‌خانه	flor.dom.o
گلابی	pir.o
گله‌ی گاو	bov.ar.o
گُم کردن، ازدست دادن	perd.i, tr
گمان کردن (چیزی، مطلبی)	supoz.i, tr
گنجه، قفسه	ŝrank.o
گوئیا، اِنگار، گویی	kvazaŭ
گوارا، نوشیدنی	trink.ind.a
گُود، عمیق، ژرف	profund.a
گور(خر)	zebr.o
گوساله	bov.id.o

گوساله‌ی ماده	bov.id.in.o
گوسفند	ŝaf.o
گوش	orel.o
گوش دادن به، گوش کردن	aŭskult.i, tr
گوش کردن، گوش دادن به	aŭskult.i, tr
گوش‌واره	orel.ring.o
گوشت	viand.o
گوشتِ گاو	bov.viand.o, bov.aĵ.o
گوشتِ گوسفند	ŝaf.viand.o, ŝaf.aĵ.o
گوشت یا ماهیِ دودی، دوده	fum.aĵ.o
گوشه، زاویه	angul.o
گونه‌ای، نوعی	ia
گونه، نوع	spec.o
گویی، اِنگار، گوئیا	kvazaŭ
گیاه	plant.o
گیتی، دنیا، جهان	mond.o
گیرنده (دستگاه)	ricev.il.o
گیرنده(ی نامه)	adres.at.o
گیرنده، دریافت کننده (شخص)	ricev.ant.o
گیشه‌ی بلیط فروشی، بلیط فروشی	bilet.ej.o
گیگا بایت (Gb)، (حدود یک میلیارد بایت، یا هزار مِگا بایت)	giga.bajt.o
گیگا، یک میلیارد یا یک بیلیون (10 به‌توانِ 9)	giga—-
گیلاس	ĉeriz.o
لازم داشتن، احتیاج داشتن	bezon.i, tr
لازم، ضروری	neces.a
لایق (چیزی) بودن، سزاوار (چیزی) بودن	merit.i, tr
لَب	lip.o
لباس خواب (لباس تخت‌خواب)	lit.vest.o
لباسِ زیر	sub.vest.o
لباس شنا (مایو)	naĝ.vest.o
لباس، پوشیدنی	vest.aĵ.o
لباس مخصوص (محلی، ملی، ...)	kostum.o
لبخند زدن، تبسم کردن	rid.et.i, ntr
لبه، کناره	rand.o
لحظه	moment.o
لحظه‌ای پیش	ĵus
لُخت، عُریان	nud.a
لذت	plezur.o
لذت بردن از، برخوردار شدن از	ĝu.i, tr
لذت‌جو	ĝu.em.a
لَزِج	mol.aĉ.a
لطفاً، از روی خیرخواهی	bon.vol.e
لغت، کلمه، واژه	vort.o
لمس کردن، تماس پیدا کردن	tuŝ.i, tr
لمس کردن، دست مالیدن	palp.i, tr
لمیدن، دراز کشیدن	kuŝ.i, ntr
لهِ، برایِ، درجهتِ، به‌نفعِ	por
لوح، لوحه، تخته‌سیاه	tabul.o
لوحه، لوح، تخته‌سیاه	tabul.o
لوله	tub.o
لوله کردن، پیچاندن (به‌دورِ چیزی/ چیزی به‌دورِ خودش)	volv.i, tr
لیاقت، شایستگی، (پسوند)	—ind-
لیست، فهرست	list.o
لیکن، اما، ولی	sed
لیوان	glas.o
مؤدب، باادب	ĝentil.a
مؤسس	fond.int.o
مؤسسه	fond.aĵ.o
مؤلف، نویسنده	verk.ist.o
مؤمن، شخصِ باایمان	kred.ant.o

مأمور کردن، مأموریت دادن به	komisi.i, tr
مأموریت دادن به، مأمور کردن	komisi.i, tr
مؤنث (پسوند)	—in-
مؤنث، ماده	in.a, in.seks.a
ما (ضمیر اول شخص جمع)	ni
ماتیک (قرمزکننده)	ruĝ.ig.il.o
مادامی‌که، درطولِ، حینِ	dum
مادر	patr.in.o
ماده، مؤنث	in.a, in.seks.a
مادّه (مفردِ مواد)	material.o
مادیان، اسبِ ماده	ĉeval.in.o
مارس (ماه میلادی)	mart.o
مارک، علامت	mark.o
ماشین (دستگاه)	maŝin.o
ماشین حساب	kalkul.il.o
ماشینِ ظرف‌شویی	teler.lav.il.o
ماشین، اتومبیل، خودرو	aŭt.o, aŭto.mobil.o
ماشین لباس‌شویی	lav.maŝin.o
مال آن (چیز یا کس)	ties
مال چه‌کسی، که صاحب آن	kies
مالِ خود، اختصاصی	propr.a
مالک، صاحب، دارنده	posed.ant.o
مانتو، روپوش	mantel.o
ماندن، باقی ماندن، به‌جا ماندن	rest.i, ntr
مانع	bar.aĵ.o
مانع شدن از	bar.i, tr
ماه (30 روز)	monat.o
ماه (کُره‌ی ماه)	lun,o
ماهتاب، مهتاب، نورِ ماه	lun.lum.o
ماهر، زبردست	lert.a
ماهوت پاک کن، برس	bros.o
ماهی	fiŝ.o

ماهیِ یا گوشت دودی، دوده	fum.aĵ.o
ماهی‌گیر	fiŝ.ist.o
ماورای طبیعی، فوق‌طبیعی	super.natur.a
ماوْس، موش‌واره‌ی کامپیوتر، موش	mus.o
مایو، لباس شنا	naĝ.vest.o
مبادله کردن، عوض کردن	inter.ŝanĝ.i, tr
مبارزه کردن، نبرد کردن	batal.i, ntr
مبالغه کردن در موردِ، افراط کردن	tro.ig.i, tr
مبتدی (در زبانِ اسپرانتو)	komenc.ant.o
مَبلغ، حاصل (جمع، ...)	sum.o
متأسف بودن برای	bedaŭr.i, tr
متأسفانه	bedaŭr.ind.e
متحد شدن، یکی شدن	unu.iĝ.i, ntr
متحدالمرکز، هم‌مرکز	sam.centr.a
متحمل، متساهل (در مقابلِ متعصب)	toler.em.a
متخصص	special.ist.o
متخصص زیبائیِ زنان	bel.ig.ist.in.o
متخلف، خلاف‌کار، مقصر	kulp.a
متخلف، مقصر	kulp.a
مِتُد، روش، طریقه	metod.o
متر (واحد اندازه‌گیری)	metr.o
متراکم، انبوه	dens.a
مَترسَک (پرنده‌ترسان)	bird.tim.ig.il.o
متساهل، متحمل (در مقابلِ متعصب)	toler.em.a
متشکر	dank.o.n
متعجب شدن، تعجب کردن	mir.i, ntr
متعدد، زیاد	plur.a.j
متعلق بودن، تعلق داشتن	aparten.i, ntr
متعلقات	aparten.aĵ.o.j
متغیر، قابل تغییر	ŝanĝ.ebl.a
متفاوت، مختلف	divers.a
متقاعد کردن	konvink.i, tr

متمایل	em.a
متمایل ساختن	em.ig.i, tr
متمول، ثروتمند، غنی، سرشار	riĉ.a
متن	tekst.o
متوقف شدن، بند آمدن	ĉes.i, ntr
متولد شدن، به‌دنیا آمدن	nask.iĝ.i, ntr
مثال	ekzempl.o
مثلِ، شبیهِ، مشابهِ	simil.e al
مثلِ، مانند	kiel
مثلاً، به‌عنوان مثال	ekzempl.e
مثلث، سه‌گوش، سه‌ضلعی	tri.angul.o
مثمر، ثمربخش	frukt.o.don.a
مجبور بودن، بایستن	dev.i, tr
مجذور، مربع	kvadrat.o
مجله	gazet.o, revu.o
مجمع‌الجزایر	insul.ar.o
مجمع، جمع، حلقه (دوستان، ...)	rond.o
مجموعه	ar.o
مجموعه قوانین	leĝ.ar.o
مجموعه کتاب	libr.ar.o
مجموعه‌ی آثار (یک نویسنده)	verk.ar.o
مجموعه‌ی اعضاء، اعضاء	an.ar.o
مجموعه، سِری	seri.o
مجموعه، گروه، دسته (پسوند)	—ar-
مجنون، دیوانه	frenez.a
محاسبه کردن، حساب کردن	kalkul.i, tr
محاصره کردن، احاطه کردن	ĉirkaŭ.i, tr
محافظتِ محیط زیست	medi.o.protekt.ad.o
محبوب، مردمی	popular.a
محبوبه (عزیزه)	kar.ul.in.o
محبوبیت	popular.ec.o, ŝat.at.ec.o
محترم	estim.at.a
محترم شمردن، احترام گذاشتن به،	estim.i, tr
محتوی	en.hav.o
محدوده‌ی سِنی، مرزِ سنی، حدِ سِنی	aĝ.lim.o
محدوده، مرز، سرحد، حد	lim.o
محروم شدن	sen.iĝ.i, ntr
محسوس	sent.ebl.a
محصل، شاگرد، فراگیرنده، یادگیرنده	lern.ant.o
محق، برحق، موجه	prav.a
محقق، دانشمند	scienc.ist.o
محلِ نشست، مَقَر	sid.ej.o
محلِ همایش، سالن همایش	kun.ven.ej.o
محل، جا، مکان	lok.o, ejo
محل، مکان (پسوند)	—ej-
محیط (زندگی، زیست)	medi.o
مختلف، متفاوت	divers.a
مخزن (پسوند)	—uj-
مخزن هوا، کپسول اُکسیژن	aer.uj.o
مخصوص، ویژه	special.a
مخفی‌گاه	kaŝ.ej.o
مخفیانه نگاه کردن	kaŝ.rigard.i, tr
مخلوط کردن	miks.i, tr
مداد	krajon.o
مداوا کردن، درمان کردن	kurac.i, san.ig.i, tr
مدخل، مقدمه	en.konduk.o
مدرسه	lern.ej.o
مُدِرن، جدید	modern.a
مُدوَر، گِرد	rond.a
مدیر	direktor.o
مذاق، مزه، سلیقه	gust.o
مذکر، جنسِ مذکر	vir.seks.a
مذهب، دین	religi.o

مراقب بودن، مراقبت کردن از، مواظبت کردن از، مواظب بودن	zorg.i, ntr/tr
مربع، مجذور	kvadrat.o
مربوط به خانم‌ها، زنانه	in.a, vir.in.a
مربوط بودن به، ارتباط داشتن با	koncern.i, tr
مربوط بودن، رابطه داشتن	rilat.i, ntr
مرتب کردن، منظم کردن	(kun.)ord.ig.i, tr
مرتبه، بار، دفعه	foj.o
مرتبه، مقام، شأن	rang.o
مرتفع، بلند، رفیع، قدبلند	alt.a
مُرجح	prefer.ind.a
مَرد	vir.o
مردم	popol.o
مردمی، محبوب	popular.a
مُردن، از دنیا رفتن	mort.i, ntr
مرزِ سنی، حدِ سِنی، محدوده‌ی سِنی	aĝ.lim.o
مرز، سرحد، حد، محدوده	lim.o
مرکزِ ثقل، نقطه‌ی ثقل	pez.centr.o
مرکز، کانون	centr.o
مریض، بیمار	mal.san.a
مزاح کردن، شوخی کردن	ŝerc.i, ntr
مزرعه، کَمپ، زمینه	kamp.o
مزه کردن، چشیدن	gust.um.i, tr
مزه، مذاق، سلیقه	gust.o
مژگان، مژه‌ها	okul.har.o.j
مژه‌ها، مژگان	okul.har.o.j
مسئله، مشکل، اِشکال	problem.o
مسئولیت، جواب‌گویی	respond.ec.o
مسافر	vojaĝ.ant.o
مسافرت کردن، سفر کردن	vojaĝ.i, ntr
مساوی، برابر	egal.a
مستقیم، راست	rekt.a

مستمر	ad.a
مستمراً، به‌طور مستمر	ad.e
مسجد	moske.o
مسخره کردن، تمسخر کردن	mok.i, tr
مسطح، صاف	eben.a
مسلسل، پی‌درپی	si.n.sekv.a
مسلمان	islam.an.o
مسواک	dent.o.bros.o
مسیحیت	Krist.an.ism.o
مشابه، شبیه، همانند	simil.a
مُشاع، مشترک	komun.a
مشترک شدن (مجله)، آبونه شدن	abon.i, tr
مشترک، مُشاع	komun.a
مشخص کردن، معین کردن	difin.i, tr
مشخص، مطمئن، قطعی	cert.a
مشرق، شرق	orient.o
مشکل، اِشکال، مسئله	problem.o
مشکل، سخت	mal.facil.a
مشکوک، نامطمئن، غیرقطعی	ne.cert.a
مِشکی، سیاه، تیره	nigr.a
مشهور، معروف، شهیر	fam.a
مشورت دادن به، پند دادن به	konsil.i, tr
مصدر (پایانه)	—i
مصنوعی، فراساخته	art.e.far.it.a
مطالعه کردن، قرائت کردن، خواندن	leg.i, tr
مطالعه‌کننده، خواننده	leg.ant.o
مطبخ، آشپزخانه	kuir.ej.o
مطبوع، خوش‌آیند	agrabl.a
مطبوعات، جراید	gazet.ar.o
مطلع ساختن، اطلاع دادن به	inform.i, tr
مطلقاً	nepr.e
مطمئن شدن، قطعی شدن	cert.iĝ.i, ntr

مطمئن، مشخص، قطعی	cert.a
مطهر، پاک، تمیز	pur.a
مُطیع، فرمان‌بردار	obe.em.a
معاصر، هم‌زمان	sam.temp.a
معاصر، کنونی	nun.temp.a
معاینه کردن، تحقیق کردن	esplor.i, tr
معبر، راه	voj.o
معتبر، بااعتبار	valid.a
معرفی کردن، تقدیم کردن	prezent.i, tr
معروف، شناخته(شده)	kon.at.a
معروف، مشهور، شهیر	fam.a
معشوق	am.at.o
معشوقه	am.at.in.o
معلم، آموزگار	instru.ist.o
معلوم (در مقابل مجهول در گرامر)، فعال	aktiv.a
معلوم، مشخص	sci.at.a, kon.at.a, certa
معمولاً، عادتاً	ordinar.e, kutim.e
معمولی، عادی	ordinar.a
معنی دادن (چیزی‌را)	signif.i, tr
معنی، مفهوم	senc.o, signifo
معین کردن، مشخص کردن	difin.i, tr
مغازه، فروش‌گاه	vend.ej.o
مغرب، غرب	okcident.o
مغلوب	venk.it.o
مفتول، سیم	drat.o
مفعولِ زمان آینده (پسوند)	—ot-
مفعولِ زمان حال (پسوند)	—at-
مفعولِ زمان گذشته (پسوند)	—it-
مفعول، چیز، شیء	objekt.o
مفهوم، معنی	senc.o, signifo
مفید، بافایده، سودمند	util.a
مقاله، حرفِ‌تعریف	artikol.o

مقام، سِمَت	ofic.o
مقام، شأن، مرتبه	rang.o
مقایسه کردن	kompar.i, tr
مقداری، قدری	iom
مقدس	sankt.a
مقدمه، مدخل	en.konduk.o
مَقَر، محلِ نشست	sid.ej.o
مقصر، متخلف	kulp.a
مقصر، متخلف، خلاف‌کار	kulp.a
مکاتبه کردن، نامه‌نگاری کردن	korespond.i, ntr
مکان، محل (پسوند)	—ej-
مکان، محل، جا	lok.o, ejo
مکتب و آموزه (پسوند)	—ism-
مکفی، کافی، بَس	sufiĉ.a
مِگا بایت (Mb)، حدود یک میلیون بایت	mega.bajt.o
مِگا، یک میلیون (10 به‌توانِ 6)	mega—-
مگس	muŝ.o
ملاحظه کردن، توجه کردن	rimark.i, tr
ملاحظه کردن، رعایت کردن	konsider.i, tr
ملافه، ملحفه	lit.tuk.o
ملاقات کردن، دیدار کردن با	vizit.i, tr
ملایم، نَرم	mol.a
ملت	naci.o
ملحفه، ملافه	lit.tuk.o
ملحق شدن، پیوستن	al.iĝ.i, ntr
ملکه	reĝ.in.o
ملیت	naci.ec.o
ملی	naci.a
ممتاز، برجسته	el.star.a
ممتحن	ekzamen.ant.o
ممکن ساختن، میسر کردن	ebl.ig.i, tr
ممکن شدن، مُیسر شدن	ebl.iĝ.i, ,ntr

ممکن، مُیسر	ebl.a
مملکت، کشور	land.o
ممنوع، غیرمجاز	mal.permes.it.a
ممنون، متشکر، تشکر	dank.o.n
مَن (ضمیر اول شخص مفرد)	mi
مناسب بودن	konven,i, taŭg.i, ntr
منتج شدن، نتیجه دادن	rezult.i, ntr
منتشر کردن	el.don.i, tr
منتظر (کسی) بودن، انتظار کشیدن	atend.i, tr
منزل، خانه (محیط معنوی آن)	hejm.o
منشأ گرفتن	de.ven.i, ntr
مُنشی، سِکرِتِر	sekretari.o
منصف، عادل، درست‌کار	just.a
منطقه، قلمرو	region.o
منظم کردن، مرتب کردن	kun.ord.ig.i, tr
منظور، هدف	cel.o
منعکس کردن	spegul.i, tr
منها(ی)	minus
مِه	nebul.o
مه، مِی (ماه میلادی)	maj.o
مهتاب، ماهتاب، نورِ ماه	lun.lum.o
مهربان	afabl.a
مهم، بااهمیت	grav.a
مهمان	gast.o
مهمان کردن	gast.igi, tr
مهمان‌خانه، مهمان‌سرا	gast.ej.o
مهمان‌دوستی	gast.am.o
مهمان‌سرا، مهمان‌خانه	gast.ej.o
مو (ی سر یا بدن)	har.o
مُو، تاک	vin.ber.uj.o, vin.ber.arbed.o
مواجه شدن با، برخورد کردن با	renkont.i, tr
مواظب بودن، مراقبت کردن از، مواظبت کردن از، مراقب بودن	zorg.i, ntr/tr
موافقت کردن (با)	konsent.i, ntr/tr
موجه، برحق، محق	prav.a
موجود بودن، وجود داشتن	ekzist.i, ntr
مودِم (کامپیوتر)	modem.o
مورد، حالت، صورت	kaz.o
مورد، کار، چیز	afer.o
موزه	muze.o
موزیک، موسیقی	muzik.o
مُوستان، تاکستان	vin.ber.ej.o
موسیقی‌دان، آهنگ‌ساز، نوازنده	muzik.ist.o
موسیقی، موزیک	muzik.o
موش‌واره‌ی کامپیوتر (ماوْس)، موش	mus.o
موش، موش‌واره‌ی کامپیوتر (ماوْس)	mus.o
موضوع، تِم	tem.o
موفق شدن	sukces.i, ntr
موقعیت	situaci.o
مونیتور، صفحه‌ی نمایش، نمایش‌گر	monitor.o
مِی، مه (ماه میلادی)	maj.o
میان، وسط، میانه	mez.o
میانه، وسط، میان	mez.o
میخ	najl.o
میدان	plac.o
میز	tabl.o
میزِ تحریر	skrib.o.tabl.o
مُیسر شدن، ممکن شدن	ebl.iĝ.i, ,ntr
میسر کردن، ممکن ساختن	ebl.ig.i, tr
مُیسر، ممکن	ebl.a
میل داشتن، آرزو داشتن	dezir.i, tr
میلیون، عدد 1000000	milion.o
میوه، ثمره	frukt.o

ناخدای کشتی، کاپیتان کشتی	ŝip.estr.o
ناخن	ung.o
ناشر	el.don.ist.o
ناگهانی، دفعی	subit.a, eka
نام، اسم	nom.o
نامزد (برای انتخابات)	kandidat.o
نامزد (زن برای ازدواج)	fianĉ.in.o
نامزد (مَرد برای ازدواج)	fianĉ.o
نامزد شدن (برای انتخابات)	kandidat.iĝ.i, ntr
نامزد شدن (مَرد برای ازدواج)	fianĉ.iĝ.i, ntr
نامطمئن، غیر قطعی، مشکوک	ne.cert.a
نامه	leter.o
نامه‌بَر، نامه‌رسان	leter.port.ist.o
نامه‌نگاری کردن، مکاتبه کردن	korespond.i, ntr
نامه‌ی عاشقانه	am.leter.o
نان (روزی، قوت)	pan.o
ناهار (غذا)	tag.manĝ.aĵo
ناهار (وعده‌ی غذا)	tag.manĝ.o
نایل شدن به، رسیدن به	ating.i, tr
نبرد کردن، مبارزه کردن	batal.i, ntr
نبودن، وجود نداشتن، کم‌بودن	mank.i, ntr
نتیجه دادن، منتج شدن	rezult.i, ntr
نجات دادن	sav.i, tr
نجار	ĉarpent.ist.o, lign.aĵ.ist.o
نحوه‌ی گفتن، سبکِ گفتار	dir.manier.o
نَخ	faden,o
نخِ دندان	dent.o.faden.o
نخست‌وزیر	ĉef.ministr.o
نخست، اولاً، درابتدا	unu.e
نخستین، اول، اولین	unu.a
نَرم، ملایم	mol.a
نُرمال، بهنجار	normal.a
نزدِ، نزدیکِ، پیشِ	ĉe
نزدیک	proksim.a, ĉe.a
نزدیکِ، نزدِ، پیشِ	ĉe
نسخه، جلد (کتاب، نشریه)	ekzempler.o
نسیم، بادِ ملایم	vent.et.o
نشان دادن	montr.i, vid.ig.i, tr
نشان، علامت	insign.o
نشانه، علامت	sign.o
نشانی، آدرس	adres.o
نشست، جلسه، اجلاس	kun.sid.o
نشستن، جلوس کردن	ek.sid.i, ntr
نشستن، نشسته بودن	sid.i, ntr
نشسته بودن، نشستن	sid.i, ntr
نصفه‌شب، نیمه شب	mez.nokt.o
نظارت کردن	super.rigard.i, tr
نظام‌مند، سیستماتیک	sistem.a
نظام، سیستم	sistem.o
نظر داشتن راجع به	opini.i, tr
نظر، عقیده	opini.o
نظر، ایده، اندیشه	ide.o
نظرسنجی	opini.sond.o
نظریه‌پرداز، تِئورِسین	teori.ist.o
نظریه، تئوری	teori.o
نظم، آرایش	aranĝ.o
نظم، ترتیب	ord.o
نظم، شعر و شاعری	poezi.o
نعلبکی	sub.tas.o
نفس کشیدن، تنفس کردن	spir.i
نقاش (هنرمند)	pentr.ist.o
نقاش ساختمان، رنگ‌کار	kolor.ig.ist.o
نقاشی (تابلو)	pentr.aĵ.o
نقاشی (هنر)، هنر نقاشی	pentr.art.o
نقاشی کردن	pentr.i, tr

نقاله (برای رسم و اندازه‌گیریِ زوایا)	angul.il.o
نقره	arĝent.o
نقش، تصویر	bild.o
نقشه، طرح، پلان	plan.o
نقطه نظر، دیدگاه	star.punkt.o, vid.punk.o
نقطه‌ی ثقل، مرکزِ ثقل	pez.centr.o
نقطه، نکته	punkt.o
نکته، نقطه	punkt.o
نگاه انداختن، نگاه کلی و سراسری کردن	tra.regard.i, tr
نگاه کردن، نگریستن	rigard.i, ntr/tr
نگاه‌داشتن، حفظ کردن	konserv.i, tr
نگریستن، نگاه کردن	rigard.i, ntr/tr
نگه‌داشتن (در دست)، حفظ کردن	ten.i, tr
نم‌نمِ باران	pluv.et.o
نماز خواندن، عبادت کردن	preĝ.i, ntr
نمایش عروسکی، تئاتر عروسکی	pup.teatr.o
نمایش‌گاه	ekspozici.o
نمایش‌گر، صفحه‌ی نمایش، (مونیتور)	monitor.o
نمایش‌نامه، دِرام	teatr.aĵ.o, dramo
نُمره(ی امتحان)، یادداشت، توجه	not.o
نُمره، شماره، عدد	numer.o
نمک	sal.o
نمک‌دان	sal.uj.o
نمو کردن، رشد کردن	kresk.i, ntr
نمود داشتن، به‌نظررسیدن	aspekt.i, ntr
نمودن، نشان دادن	montr.i, tr
نَه، خیر	ne
نُه، عدد 9	naŭ
ناهار خوردن	tag.manĝ.i, tr
نهر	river.et.o
نهضتِ صلح‌طلبی	pac.ism.o

نهضت، حرکت، نهضتِ همه‌گیر ساختنِ اسپرانتو	mov.ad.o
نُو، جدید، تازه	nov.a
نواختن (ساز)، بازی کردن	lud.i, ntr/tr
نوازنده، موسیقی‌دان، آهنگ‌ساز	muzik.ist.o
نوامبر (ماه میلادی)	novembr.o
نوبت، صف، ردیف	vic.o
نورِ خورشید، آفتاب	sun.lum.o
نور دادن، روشن بودن	lum.i, ntr
نورِ ماه، مهتاب، ماهتاب	lun.lum.o
نورافکن	lum.ĵet.il.o
نوروز	Noŭruz.o, Nov.tag.o
نوشاندن	trink.ig.i, tr2
نوشت‌ابزار، قلم	skrib.il.o
نوشتن	skrib.i, tr
نوشیدن	trinki, tr.
نوشیدنی (نوشابه)	trink.aĵ.o
نوشیدنی، قابلِ نوشیدن، قابلِ شُرب	trink.ebl.a
نوشیدنی، گوارا	trink.ind.a
نوع، گونه	spec.o
نوعروس، عروس، تازه‌عروس	nov.edz.in.o
نوعی، گونه‌ای	ia
نوکیسه، تازه به دوران رسیده	nov.riĉ.ul.o
نَوه (مذکر)	nep.o
نویسنده‌ی ادبی، ادیب	literatur.ist.o
نویسنده، مؤلف	verk.ist.o
نیرومند، قوی	fort.a
نیز، هم، هم‌چنین	ankaŭ
نیش زدن	pik.i, tr
نیک‌مرد، آدم خوب	bon.ul.o
نیک، خوب، نیکو	bon.a
نیکو، خوب، نیک	bon.a

نیم‌روز، ظهر	tag.mez.o
نیمه شب، نصفه‌شب	mez.nokt.o
نیمه، نصفه، یک‌دوم	du.on.a
ها! (ابراز تعجب)	ha!
هارد دیسک، دیسکِ سخت	dur.disk.o
هتل	hotel.o
هدایت کردن	konduk.i, tr
هدف، منظور	cel.o
هدیه کردن	donac.i, tr
هدیه کردن، تقدیم کردن	dediĉ.i, tr
هر (اگر پیش از اسمی قرار گیرد)، هرکس(ی)	ĉiu
هر از گاهی، گاه‌گاهی	foj.foj.e, de temp.o al temp.o
هر دو	ambaŭ, ĉiuj du
هرچیز(ی)	ĉio
هراس، دهشت	tim.eg.o
هرچند، اگرچه	kvankam
هرروز(ه)	ĉiu.tag.e
هرکجا، درهرجا، در هر کجا	ĉie
هرکس، هر (اگر پیش از اسمی قرار گیرد)	ĉiu
هرگز، هیچ‌گاه	neniam
هرگونه	ĉia
هزار، عدد 1000	mil
هزاره	jar.mil.o, mil.jar.o
هستن، بودن، اَستن	est.i, ntr
هشت، عدد 8	ok
هفت، عدد 7	sep
هفت بار	sep.foj.e
هفت‌ساله	sep.jar.a
هفته	semajn.o
هُل دادن، راندن (به جلو)	puŝ.i, tr
هم‌اکنون، دیگر	jam
هَم‌اندیش (اسپرانتودانان هم‌دیگر را هم‌اندیش خطاب می‌کنند)	sam.ide.an.o
هم‌بازی	kun.lud.ant.o
هم‌چنان، هنوز	ankoraŭ
هم‌چنین، هم، ، نیز	ankaŭ
هم‌زمان، معاصر	sam.temp.a
هم‌زیستی، زندگیِ مشترک	kun.viv.ad.o
هم‌سایه	najbar.o
هم‌سفر	kun.vojaĝ.ant.o
هم‌کلاسی	sam.klas.an.o
هم‌مرکز، متحدالمرکز	sam.centr.a
هم، هم‌چنین، نیز	ankaŭ
همان	sam.a
همانند، شبیه، مشابه	simil.a
همایش، کنگره	kongres.o, kun.ven.o
همراه با، با، به‌همراهِ	kun
هم‌کاری کردن	kun.labor.i, ntr
همه‌گیر شدن، توسعه یافتن	dis.volv.iĝ.i, ntr
همه‌ی، تمامِ، کُلِ	tut.a
همواره، همیشه	ĉiam
همیشگی، ابدی	ĉiam.a
همیشه‌سبز	ĉiam.verd.a
همیشه، همواره	ĉiam
هنر، فن	art.o
هنر آشپزی	kuir.art.o
هنرِ تئاتر، تئاتر، تماشاخانه	teatr.o
هنر نقاشی، نقاشی (هنر)	pentr.art.o
هنرمند	art.ist.o
هنگامی، زمانی، وقتی، یک‌وقتی	iam
هنوز، هم‌چنان	ankoraŭ
الهه	di.in.o
هوا	aer.o
هوا، آب و هوا	veter.o

هوا، اقلیم	klimat.o
هواپیما	flug.maŝin.o, aeroplan.o
هوای تازه	freŝ.aer.o
الهی، خدایی	di.a
هیأتِ رئیسه	estr.ar.o
هیأت، کمیته	komitat.o
هیچ کدام، هیچ‌یک (اگر قبل از اسمی بیاید)، هیچ‌کسی	neniu
هیچ‌جا، هیچ‌کجا	nenie
هیچ‌چیز(ی)، هیچ	nenio
هیچ‌کجا، هیچ‌جا	nenie
هیچ‌کدام/ هیچ (اگر قبل از اسمی بیاید)	neniu
هیچ‌کس	neniu
هیچ‌گاه، هرگز	neniam
هیچ‌گونه	nenia
هیچ، صفر	nul(.o)
هیچ، هیچ‌چیز(ی)	nenio
و	kaj
و بقیه	kaj aliaj, k.a.
و غیره	kaj tiel plu, k.t.p.
و مشابه	kaj similaj, k.s.
و نه (آن) ، (آن) هم نه	nek
واژه‌سازی، کلمه‌سازی	vort.far.ad.o
واژه‌نامه، فرهنگ(لغات)	vort.ar.o
واژه، کلمه، لغت	vort.o
واسطه	per.ant.o
واضح، روشن، شفاف	klar.a
واقع بودن	situ.i
واقعیت، امر	fakt.o
واگن	vagon.o
والدین، پدرومادر(ها)	ge.patr.o.j
وانِ حمام	ban.uj.o
وجود داشتن، موجود بودن	ekzist.i, ntr
وجود نداشتن، نبودن، کم‌بودن	mank.i, ntr
وحدانیت، یگانگی، توحید	unu.ec.o
وحشت، تِرور	terur.o
ورایِ، آن‌طرفِ	trans
ورزش	sport.o
وزارت، وزارت‌خانه	ministr.ej.o
وزن کردن، توزین کردن	pes.i, tr
وزن‌داشتن، سنگین‌بودن	pez.i, ntr
وزنه	pes.il.o
وزیدن	blov.i, ntr
وزیر	ministr.o
وسایلِ غذاخوری (سرویس غذاخوری)	manĝ.il.ar.o
وسطِ دریا (دور از ساحل)	mar.mez.e
وسطِ، میانِ	mez.e
وسط، میان، میانه	mez.o
وسیع، گسترده	vast.a
وسیله	rimed.o
وسیله‌ی سرگرمی	amuz.il.o
وسیله‌ی نقلیه	vetur.il.o
وسیله، ابزار	il.o
وصف کردن، توصیف کردن	pri.skrib.i, tr
وضع، حالت	stat.o
وطن، سرزمین پدری	patr.uj.o, patr.i.o, patr.o.land.o
وظیفه، تکلیف	task.o
وقت، زمان	temp.o
وقتی دیگر، زمانی دیگر	ali.temp.e
وقتی، زمانی، هنگامی، یک‌وقتی	iam
وقتی‌که، هنگامی‌که	kiam
ولی، اما، لیکن	sed
ویرایش کردن، آماده‌ی چاپ کردن	redakt.i, tr
ویزیت کردن، ملاقات کردن	vizit.i, tr

یا	aŭ
یاد داشتن، بلد بودن	pov.o.sci.i, sci.pov.i, tr
یاد گرفتن، فراگرفتن، آموختن	lerni, tr
یادداشت، توجه، نُمره(ی امتحان)	not.o
یادگیرنده، شاگرد، فراگیرنده، محصل	lern.ant.o
یاری کردن، کمک کردن	help.i, tr
یافتن، پیدا کردن	trov.i, tr
یخ	glaci.o
یخ‌بندان (آب و هوا)	frost.o
یک‌جوری، به‌ترتیبی، طوری	iel
یک‌وقتی، هنگامی، زمانی، وقتی	iam
یک/یکی (اگر قبل از اسم بیاید)، کسی، شخصی	iu
یک، عدد 1	unu
یکشنبه	dimanĉ.o
یکی شدن، متحد شدن	unu.iĝ.i, ntr
یکی/یک (اگر قبل از اسم بیاید)، کسی، شخصی	iu
یگانگی، توحید، وحدانیت	unu.ec.o
یاد دادن، درس دادن به، تعلیم دادن	instru.i, lern.ig.i, tr
یوم، روز	tag.o